

حمایت حقوقی از پناهجویان تغییرات اقلیمی

دکتر نسرين مصفا* - حورا حسين زاده هاشمی**

چکیده

با افزایش فعالیت‌های صنعتی بشر در چند دهه گذشته، الگوهای آب و هوایی کره زمین بیش‌ازپیش دچار تغییر شده است. این تغییرات اقلیمی در نقاط آسیب‌پذیر منجر به فجایعی چون بالا آمدن سطح آب دریاها، جریان‌های آب و هوایی شدید و نیز خشک‌سالی و کمبود آب می‌شود. یکی از مهم‌ترین آثار این وقایع بر زندگی انسان‌ها، ایجاد جریان‌های جدید مهاجرت اجباری است. پیش‌بینی می‌شود که تا پایان قرن جاری بیش از دویست میلیون نفر در سراسر دنیا در اثر نتایج مستقیم تغییرات اقلیمی ناچار به پناهجویی می‌شوند. حمایت از پناهجویانی تقریباً بیست برابر بزرگ‌تر از پناهندگان فعلی تحت حمایت نهادهای حقوقی، دغدغه‌ای نوین در عرصه حقوق بین‌الملل است. مقاله حاضر تلاش نموده است تا با بررسی مهم‌ترین اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط به حقوق پناهندگان، به این نکته توجه کند که با توجه به خصوصیات خاص این گروه نوظهور، به نظر می‌رسد که نظام حقوقی حاضر قابلیت حمایت از پناهجویان ناشی از تغییرات اقلیمی را ندارد. اگرچه عمدتاً در سطح منطقه‌ای تلاش‌های قابل توجهی در ارتباط با این گروه از آوارگان شکل گرفته است، به نظر می‌رسد سازوکارهای نوینی در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی برای شناخت حقوق و نیز رسیدگی به امور پناهجویان تغییرات اقلیمی موردنیاز باشد.

کلید واژگان: پناهندگی، تغییرات اقلیمی، آوارگی، حقوق پناهندگان، کنوانسیون

پناهندگان ۱۹۵۱.

* دکتر نسرين مصفا، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. nmosaffa@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه هلسینکی. Hoorah.hashemi@gmail.com

حمایت حقوقی از پناهنجویان تغییرات اقلیمی

نسرین مصفا*

حورا حسین زاده‌هاشمی**

دیباچه

تاریخ نشان داده است که مهاجرت و فرار از خطر یکی از معمول‌ترین واکنش‌های بشر به جنگ، شکنجه و بلایای طبیعی بوده و بخشی طبیعی از تطابق انسان‌ها با تغییرات به شمار می‌رود بسیاری معتقدند که سابقه مهاجرت‌های اجباری انسان به آغاز تاریخ بشر باز می‌گردد.^۱ علیرغم شواهدی که از مهاجرت‌های اجباری انسان‌ها در قرون بسیار ابتدایی تاریخ بشر موجود است، بی‌شک تشکیل دولت‌ها با مرزهای محدود، مسئله پناه‌جویی را به دغدغه حکومت‌ها و شهروندان تبدیل کرد.^۲ اگرچه در گذشته آزار و اذیت‌های مرتبط با عقاید سیاسی و مذهبی مهم‌ترین علل پناه‌جویی بوده است، اکنون می‌توان ادعا کرد که روند ذکر شده رو به تغییر است. امروزه، در کنار عوامل سیاسی و مذهبی، عوامل زیست‌محیطی، از جمله تغییرات اقلیمی، نیز منجر به مهاجرت اجباری میلیون‌ها انسان از محیط طبیعی زندگی خود می‌شوند.

* دکتر نسرین مصفا، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. nmosaffa@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه هلسینکی. Hoorah.hashemi@gmail.com

گسترش فعالیت‌های صنعتی با افزایش میزان گازهای سمی و دی‌اکسید کربن موجود در جو، منجر به افزایش دمای جو زمین گردیده است. بی‌تردید گرمایش زمین یکی از مهم‌ترین علل تغییر اقلیم بشمار می‌رود. انتظار می‌رود که تغییرات اقلیمی، شدت حوادث غیرمترقبه در سراسر دنیا را افزایش دهد؛ هرچند متأسفانه بیشترین آثار مخرب آن در مناطق کمتر توسعه‌یافته قابل مشاهده است. معاون دبیر کل سازمان ملل در امور بشردوستانه، جان هولمز، معتقد است: «تغییر اقلیم دغدغه آینده نیست بلکه خطری است که امروز میلیون‌ها انسان را، بخصوص در نقاط آسیب‌پذیر دنیا تهدید می‌کند.»^۳ مطالعات نشان می‌دهند که در قرن جاری و در اثر تغییرات اقلیم بیش از دو‌یست میلیون نفر مجبور به ترک محل زندگی خود به صورت موقت یا دائم می‌شوند. از نظر آنتونیو گاترز،^۴ کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان: «در آینده نه‌چندان دور تغییر اقلیم مهم‌ترین عامل جابجایی انسان‌ها به صورت داخلی یا بین‌المللی خواهد بود.»^۵ وی اظهار می‌دارد که بین سی‌وشش میلیون جابجایی رخ داده در سال ۲۰۰۸، بیست میلیون نفر آن‌ها قربانی علل مرتبط با تغییر اقلیم بوده‌اند.^۶

مهاجرت اجباری میلیون‌ها پناه‌جو در سراسر دنیا خطر گسترش درگیری‌ها چه در کشورهای پذیرنده و چه در سطح بین‌المللی را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب، تغییر اقلیم می‌تواند به تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی تبدیل شود.^۷ به‌طور مثال، در کشورهای مانند فیجی که از حیث جغرافیایی در مناطق ساحلی فرودست قرار گرفته و از نظر ساختار اجتماعی متشکل از گروه‌های قومی - نژادی متنوعی است، بالا آمدن سطح دریا و به‌طور کلی تغییرات اقلیمی می‌تواند به افزایش تنش بین این گروه‌های قومی منجر شده و امنیت ملی کشور را متزلزل کند.^۸

نتایج مهاجرت میلیون‌ها نفر در اثر تغییرات اقلیم، سؤال مهمی را در ذهن ایجاد می‌کند؛ نظام کنونی حمایت از پناهندگان تا چه اندازه قادر به حمایت از پناه‌جویان ناشی از تغییر اقلیم می‌باشد؟^۹ مقاله حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا نظام حقوقی پناهندگان و سازمان‌های اجرایی مرتبط با آن امکان گسترش حمایت خود به گروه پناهندگانی تقریباً ۲۰ برابر بزرگ‌تر از مخاطبان فعلی خود را دارند؟

به‌منظور پاسخ به این سؤال، در بخش نخست به تعریف مفاهیم ابتدایی این مبحث از جمله

مفهوم «تغییرات اقلیمی» و «پناهنده» خواهیم پرداخت. در بخش بعد مهم‌ترین قواعد حقوقی مرتبط با حقوق پناهجویان در دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بررسی می‌شود. در آخرین بخش، نکات نهایی و نتایج به‌دست‌آمده ذیل عنوان نتیجه‌گیری مقاله ارائه خواهند شد.

مفاهیم و تعاریف

از زمانی که دولت‌ها و مرزهای سرزمینی شکل گرفته است، گروهی از انسان‌ها برای فرار از شرایط دشوار زندگی تحت سلطه دولت متبوع خود، از مرزها گذشته و در کشورهای مجاور پناهنده شده‌اند. اگرچه تا قرن ۱۹ اکثر پناهجویان به دلیل باورها و اعتقادات دینی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شده‌اند، علل مذهبی پناهجویی با استقلال‌طلبی کشورهای اروپایی و پس‌از آن جنگ‌های جهانی اول و دوم جای خود را به علل سیاسی داد. در قرن بیستم در کنار علل مذهبی و سیاسی، عوامل اجتماعی از جمله بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌ها از جمله علل اصلی پناهجویی بوده است.^{۱۰} اگرچه همچنان، دلایل اجتماعی، سیاسی و مذهبی اصلی‌ترین عوامل برای پناهجویی است، امروزه عوامل دیگری به جز آزار دولت‌ها نیز سبب مهاجرت و پناهجویی افراد می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، تغییرات اقلیمی است که روزانه زندگی تعداد زیادی از انسان‌ها را، به‌ویژه در مناطق آسیب‌پذیر دنیا تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مطالعات نشان می‌دهد که طی قرن جاری میلیون‌ها نفر در نتیجه اثرات مخرب تغییرات اقلیمی مجبور به نقل مکان از محل اولیه زندگی خود می‌شوند. اصطلاح تغییر اقلیم به‌طور کلی به مجموعه متنوعی از تغییرات در الگوی آب‌وهوا در طی زمان اطلاق می‌شود.^{۱۱} هیئت بین‌الدولی تغییرات آب و هوایی^{۱۲} تغییرات اقلیم را «هرگونه تغییر آب‌وهوا در طول زمان، خواه بر اثر عوامل طبیعی و یا در نتیجه فعالیت‌های انسان» تعریف می‌کند.^{۱۳} در طول دهه‌های گذشته، فعالیت‌های صنعتی با انتشار میزان قابل‌توجهی دی‌اکسید کربن در فضای جو منجر به حبس شدن گرما در اتمسفر زمین شده‌اند. افزایش دمای جو زمین موجب تغییر تدریجی ترکیبات اتمسفر زمین می‌شود که از این پدیده به‌عنوان گرمایش زمین و یا به‌طور مصطلح تغییر اقلیم زمین یاد می‌شود. اگرچه تغییر اقلیم به آهستگی صورت می‌گیرد اما در طول زمان می‌تواند منجر به اثرات مخربی چون افزایش سطح آب

دریاها، گسترش شرایط سخت آب و هوایی، تکرار فرایندهای طوفان‌های شدید، خشک‌سالی و نیز کمبود آب شود^{۱۴} بدین ترتیب از سال ۱۹۹۲ و با تهیه چارچوب کنوانسیون تغییرات آب و هوایی سازمان ملل، کشورهای جهان به‌طور منسجم و هماهنگ به تدوین سیاست‌های مناسب برای توقف تولید بی‌رویه گازهای گلخانه‌ای و ایجاد محدودیت برای هر یک از کشورها در این زمینه پرداختند.^{۱۵} باگذشت چند سال کشورها دریافتند که محدودیت‌های و نیز قواعد مربوط به کاهش آلاینده‌ها مقرر در این کنوانسیون پاسخگوی حجم تولید گازهای گلخانه‌ای و نیز اهمیت روزافزون پدیده تغییرات اقلیمی نیست. بدین ترتیب، در سال ۱۹۹۷ و در نشست سالانه کنوانسیون تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو تهیه و کشورهای توسعه‌یافته را ملزم به رعایت قواعد محکم‌تری برای کاهش گازهای گلخانه‌ای نمود.^{۱۶}

تغییرات اقلیمی زندگی میلیون‌ها نفر را در اقصی نقاط دنیا به اشکال گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از چشمگیرترین این تأثیرات، تأثیر تغییر الگوی آب‌وهوا بر مهاجرت است. برخی مطالعات نشان داده است که هم‌اکنون بیش از بیست‌وپنج میلیون نفر در اثر تغییرات اقلیمی مجبور به مهاجرت شده‌اند.^{۱۷} پیش‌بینی می‌شود که در پنجاه سال آینده بین دویست میلیون تا یک میلیارد نفر بر اثر تغییرات آب و هوایی ناچار به ترک محل اولیه زندگی خود شوند.^{۱۸} بااین وجود، اختلاف‌نظرهای فراوانی در مورد تعداد دقیق این پناهجویان وجود دارد که این امر از تفاوت دیدگاه‌ها در تعریف مفاهیم بنیادی و نیز شیوه‌های بررسی آن‌ها ناشی می‌شود. علاوه بر این، لازم به ذکر است که معمولاً عوامل زیست‌محیطی تنها علت مهاجرت و پناهجویی نیست، بلکه انگیزه‌های دیگری چون شرایط بد اقتصادی در مناطق آسیب‌پذیر خود می‌توانند محرک افراد برای جابجایی باشند که این امر شمارش تعداد دقیق پناهجویان احتمالی تغییرات آب و هوایی را سخت‌تر کند.^{۱۹}

اگرچه برخی مطالعات نشان می‌دهد که بخش کثیری از پناهجویان تغییرات اقلیمی از مرزهای بین‌المللی عبور نمی‌کنند و در داخل مرزهای کشور متبوع خود جابجا می‌شوند، بسیاری از نظریه‌پردازان بر این باورند که پناهجویان تغییرات اقلیمی می‌توانند بزرگ‌ترین بحران مهاجرت در طول تاریخ را تشکیل دهند.^{۲۰}

اصطلاح «پناهجویان تغییرات اقلیمی» مفهومی جدید است که در قرن بیستم ظهور یافته

است. یکی از اولین اشاره‌های رسمی به پدیده پناهجوی تغییر اقلیم به سال ۱۹۹۰ برمی‌گردد که هیئت بین‌الدولی تغییرات آب و هوایی به تأثیرات تغییر اقلیم بر مهاجرت انسان‌ها اشاره می‌کند: «شدیدترین عواقب تغییر اقلیم بر مهاجرت انسان‌هاست که منجر به بی‌خانمان شدن گروه بزرگی از افراد بر اثر فرسایش زمین‌های ساحلی، جاری شدن سیل در سواحل و مشکلات کشاورزی می‌شود.»^{۲۱}

حقوقدانان، عبارات و به تبع آن تعاریف حقوقی متفاوتی برای تعیین مشخصات «پناهجویانی که در اثر تغییر اقلیم مجبور به ترک محل زندگی خود شده‌اند» ارائه کرده‌اند؛ پناهندگان ناشی از تغییر اقلیم،^{۲۲} آوارگان ناشی از تغییر اقلیم،^{۲۳} آوارگان زیست‌محیطی^{۲۴} و مهاجران زیست‌محیطی^{۲۵} از انواع این عبارات است. این عناوین متفاوت منجر به رویکردهای متفاوت نظریه‌پردازان در حمایت از پناهجویان تغییرات اقلیم می‌شود.

یکی از کامل‌ترین و دقیق‌ترین تعاریف برای مفهوم پناهنده تغییر اقلیم را فرانک بیرمن و انگرید بوآس ارائه کرده‌اند.^{۲۶} تعریف پیشنهادی آن‌ها باهدف کمک به تعیین تعداد دقیق این پناهندگان و نیز یافتن منشأ اصلی بروز آن‌ها ارائه شده است. تعریف ارائه شده، به مسائل مهمی چون دلایل پناهجویی، انواع مهاجرت و نیز واژه‌شناسی مناسب برای این گروه اشاره می‌کند. از دید بیرمن و بوآس: «انسان‌هایی که مجبورند فوراً و یا در آینده نزدیک، زیستگاه خویش را به دلایل ناگهانی و یا تدریجی مرتبط با محیط‌زیست که حداقل از یکی از سه اثر اصلی تغییر اقلیم، یعنی تغییر سطح آب دریا، شرایط آب و هوایی سخت، خشک‌سالی و کمبود آب ناشی می‌شوند، ترک کنند.»^{۲۷}

به‌طور خلاصه باید گفت اگرچه اقلیم جهان همواره در حال تغییر بوده است، در طول چند دهه گذشته این تغییرات در اثر فعالیت‌های صنعتی انسان‌ها، شتاب گرفته است و تغییراتی در اقلیم، چون تغییر سطح آب‌ها، افزایش شرایط آب و هوایی سخت و نیز کمبود آب منجر به آوارگی میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا خواهد شد. به‌منظور حمایت هرچه بیشتر جامعه جهانی از این افراد، به نظر می‌رسد بهتر است تعریف پیشنهادی برای اصطلاح پناهندگان تغییرات اقلیمی ساده و درعین حال جامع تمام افراد این گروه باشد. بدون شک، قیود متعدد و نیز محدودیت‌های زمانی و مکانی می‌تواند گروهی از این افراد نیازمند کمک را از شمول

حمایت‌های احتمالی بین‌المللی خارج کند. بدین ترتیب و با توجه به ادبیات رایج می‌توان تعریف ذیل را از پناهنده تغییرات اقلیمی ارائه نمود؛

پناهنده تغییرات اقلیمی فردی است که به دلیل ترس متعارف جانی و مالی برای خود یا خانواده‌اش از وقوع حوادث قریب‌الوقوع ناشی از تغییرات اقلیمی و یا در نتیجه وقوع چنین حوادثی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شود و برای مدت‌زمان نامعلومی قادر به بازگشت به آن محل نیست.

قواعد حقوقی حمایت از پناهندگان

صرف‌نظر از دلایل مهاجرت، اشخاصی که مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شوند معمولاً دیگر امکان بهره‌گیری از حمایت دولت متبوع خود را ندارند. بنابراین، ارگانی غیر از کشور مبدأ باید مسئولیت حمایت از این اشخاص را بر عهده گیرد. کشورهای مقصد این پناهجویان و نیز سازمان‌های بین‌المللی قواعدی را برای حمایت از پناهندگان وضع می‌کنند. به‌منظور حمایت از حقوق اولیه پناهندگان در سراسر جهان، تعداد عهدنامه‌های مرتبط روزبه‌روز در حال افزایش است. در طی دهه گذشته تعدادی معاهده مربوط به تغییرات اقلیمی چه در سطح بین‌المللی و چه منطقه‌ای وضع شده است. قابلیت این اسناد برای فراهم‌سازی زمینه‌های حمایت از پناهندگان تغییرات اقلیمی، پرسش اصلی است که این مقاله در پی ارائه پاسخ به آن است به‌منظور پاسخ به این پرسش، در این بخش تلاش شده به مهم‌ترین اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مرتبط با آوارگی انسان‌ها پرداخته شود.

۱. اسناد بین‌المللی جهانی

«کمیساریای عالی پناهندگان»^{۲۸} اولین نهاد بین‌الدولی است که در سال ۱۹۲۱ با وظیفه حمایت از پناهندگان توسط جامعه ملل^{۲۹} تأسیس شد. در سال ۱۹۴۷، با انحلال جامعه ملل، «سازمان بین‌المللی پناهندگان»^{۳۰} به‌منظور حمایت از پناهندگان جنگ جهانی دوم تأسیس شد. سازمان بین‌المللی پناهندگان اولین مؤسسه حقوقی است که به‌صورت جامع به تمام جنبه‌های پناهجویی، از جمله ارائه اولین تعریف از مفهوم «پناهندگی» پرداخته است. اندک زمانی

پس از شروع به کار سازمان بین‌المللی پناهندگان، در سال ۱۹۵۰ «کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل» (از این پس: کمیساریای عالی پناهندگان)^{۳۱} باهدف حمایت از پناهندگان در کنار یافتن راه‌حلی بلندمدت برای مشکلات آن‌ها، جایگزین این سازمان گردید.^{۳۲}

تنها یک سال پس از تأسیس کمیساریای عالی پناهندگان، در سال ۱۹۵۱ اولین کنوانسیون جهانی با عنوان «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان» (از این پس: کنوانسیون جهانی پناهندگان)^{۳۳} به‌منظور تبیین قواعد کلی حمایت از پناهندگان، حقوق پناه‌جویان و وظایف دولت‌ها، تدوین شد.^{۳۴} به‌مرورزمان، کاستی‌های کنوانسیون جهانی پناهندگان از حیث محدودیت زمانی و جغرافیایی آشکار شد. این محدودیت‌ها با تدوین «پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان» (از این پس: پروتکل پناهندگان)^{۳۵} در سال ۱۹۶۷، اصلاح گردید. بنابراین، نظام کنونی حمایت از پناهندگان، بر پایه کنوانسیون جهانی پناهندگان و نیز پروتکل پناهندگان و با نقش مؤثر کمیساریای عالی پناهندگان به‌عنوان نگهبان اجرای صحیح این قواعد، بناشده است. طی چند دهه گذشته، موقعیت کنوانسیون جهانی پناهندگان به‌گونه‌ای ارتقا یافته است که امروزه میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا تحت حمایت آن قرار می‌گیرند. با این وجود، از آنجایی که کنوانسیون جهانی پناهندگان، آوارگان داخلی را شامل نمی‌شود، کمیساریای عالی پناهندگان «اصول راهنمای مربوط به آوارگان داخلی» (از این پس: اصول راهنمای آوارگان داخلی)^{۳۶} را نیز تدوین کرده است.

در این قسمت، کنوانسیون جهانی پناهندگان و پروتکل پناهندگان، دستورالعمل آوارگان داخلی و نیز اساسنامه کمیساریای عالی پناهندگان، به‌منظور بررسی قابلیت آن‌ها برای حمایت از گروه نوظهور پناهندگان تغییر اقلیم، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) کنوانسیون جهانی پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل پناهندگان ۱۹۶۷

کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان سازمان ملل در سال ۱۹۵۱ و در واکنش به مهاجرت اجباری هزاران اروپایی در پی جنگ جهانی دوم به تصویب رسید.^{۳۷} این زمینه تاریخی تصویب کنوانسیون جهانی پناهندگان به کشورها اجازه داده است که تعریف ارائه شده برای مفهوم پناهنده را تنها به وقایع رخ داده در اروپا محدود کنند. علاوه بر این، تعریف

کنوانسیون پناهندگان تنها پناهجویانی را شامل می‌شود که در پی وقایع رخ داده پس از اول ژانویه ۱۹۵۱ محل زندگی خود را ترک کرده‌اند. این محدودیت زمانی، مهم‌ترین ضعف متن کنوانسیون جهانی پناهندگان شناخته می‌شود. این نقص کنوانسیون، به‌ویژه در دوران بحران پناهجویی در آفریقا در دهه ۱۹۶۰، پدیدار گشت که عمدتاً مربوط به حوادثی بود که پیش از اول ژانویه ۱۹۵۱ به وقوع پیوسته بود. بدین ترتیب، جامعه بین‌المللی دریافت که این محدودیت زمانی با اهداف بنیادین کنوانسیون جهانی پناهندگان، یعنی فراهم آوردن حمایت یکسان برای تمامی پناهجویان مغایر است. بنابراین، کمیساریای عالی پناهندگان، پروتکل ۱۹۶۷ مربوط به وضعیت پناهندگان^{۳۸} را به‌منظور حذف محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی ذکر شده و نیز توسعه کاربرد کنوانسیون جهانی پناهندگان، تصویب کرد.^{۳۹} با این وجود، پروتکل پناهندگان هیچ تغییر بنیادینی در عناصر اصلی تعریف پناهنده کنوانسیون جهانی پناهندگان ایجاد نکرده است. به نظر می‌رسد، اگرچه نگارندگان اولیه کنوانسیون جهانی پناهندگان قصد نداشتند که سندی بلندمدت برای حمایت جهانی از پناهندگان تدوین کنند، تصویب پروتکل پناهندگان ۱۹۶۷ با حذف محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی، این رویکرد را تغییر داده است.^{۴۰} بنابراین، امروزه کنوانسیون جهانی پناهندگان اصلی‌ترین سند بین‌المللی است که به وضعیت پناهندگان می‌پردازد و تعریفی که این کنوانسیون از مفهوم پناهنده ارائه داده است، پایه و اساس قوانین بین‌المللی حمایت از پناهندگان را تشکیل می‌دهد. از این رو، تمامی عناصر اصلی این تعریف در طی سال‌ها مورد بررسی موشکافانه صاحب‌نظران قرار گرفته است.^{۴۱}

بنابر بند دوم ماده یک این کنوانسیون، «پناهنده» شخصی است که:

در نتیجه حوادث قبل از یکم ژانویه ۱۹۵۱ و به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد - در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد - نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد.^{۴۲}

تعریف ارائه شده از پناهنده، تنها به رابطه شخص و دولت متبوع او در زمینه نقض حقوق اولیه شخص در امور مدنی و سیاسی می‌پردازد و حقوق فرهنگی و اقتصادی افراد، تا زمانی که مبتنی بر مسائل سیاسی نباشد، از حدود این کنوانسیون خارج است.^{۴۳} تعریف کنوانسیون از پناهنده شامل چند عنصر بنیادین می‌باشد؛ «ترس موجه»، «شکنجه»، «به علل موجه...» و «در خارج از محل سکونت» که در این بخش بررسی خواهند شد.

«ترس موجه» اولین شرط تعریف کنوانسیون برای مفهوم پناهنده است. بر اساس نظریه مشورتی کمیساریای عالی پناهندگان، ترس موجه از دو عنصر درونی (ذهنی) و بیرونی (عینی) تشکیل شده است. در حالی که «ترس» نشانی از حالات ذهنی شخص است، «موجه بودن» بخشی از عوامل بیرونی است که عموماً بر شناخت دولت متبوع فرد استوار است.^{۴۴} با این وجود برخی نظریه پردازان معتقدند که ترس موجه اساساً مسئله‌ای بیرونی بوده و این عنصر اساساً به منظور تحدید شمول کنوانسیون جهانی پناهندگان به این تعریف اضافه شده است.^{۴۵} به طور کلی این امر پذیرفته شده است که برای اثبات موجه بودن ترس، تنها کافی است که احتمال معقولی برای وقوع آن ترس در عالم خارج وجود داشته باشد.^{۴۶} همچنین عده‌ای بر این تفسیر قائل هستند که ترس پناه‌جو می‌تواند به علت وقایع رخ داده در گذشته و یا احتمال وقوع هرگونه شکنجه در صورت بازگرداندن فرد به کشور متبوع خود در آینده، مربوط باشد.^{۴۷}

اصطلاح «شکنجه»، مانند هر اصطلاح حقوق دیگری، ابتدا باید بامعنای متعارف در چهارچوب این سند و «با توجه به هدف و مقصود» این کنوانسیون معنا شود.^{۴۸} شکنجه در معنای متعارف به عنوان «رفتاری ناعادلانه و بی‌رحمانه که به صورت بی‌وقفه تحمیل می‌شود» تعریف می‌گردد.^{۴۹} این تعریف به هر دو جنبه کمی و کیفی مفهوم شکنجه اشاره می‌کند. با این حال، اتفاق نظری بر معنای دقیق واژه شکنجه در تعریف کنوانسیون وجود ندارد. «راهنمای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل مرتبط به رویه و ضوابط تعیین وضعیت پناهندگان» (از این پس: راهنمای تعیین وضعیت پناهندگان)^{۵۰} که بی‌شک فراهم آورنده رسمی‌ترین تفسیر از کنوانسیون جهانی پناهندگان است نیز به نامعلوم بودن معنای دقیق این واژه اشاره می‌کند؛ «هیچ معنای مورد قبول جهانی برای واژه شکنجه وجود ندارد و تاکنون تلاش‌ها برای یافتن چنین تعریفی چندان موفق نبوده است.»^{۵۱}

شکنج‌ه مطرح شده در تعریف پناهنده، صرفاً به شکنج‌ه‌هایی «به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در برخی گروه‌های اجتماعی و یا داشتن عقاید سیاسی» محدود شده است. بی‌تردید نگارندگان کنوانسیون در زمان تقریر این ماده، آزار و شکنج‌ه‌های حزب نازی آلمان علیه یهودیان در سال‌های ۴۵-۱۹۳۳ را در ذهن داشته‌اند و بیان سه عامل اول، یعنی نژاد، مذهب و ملیت نتیجه مستقیم این وقایع بوده است. اگرچه در حین و پس از جنگ جهانی دوم این سه عامل همچنان مهم‌ترین انگیزه پناه‌جویی بوده است، در سال‌های پس از جنگ، عقاید سیاسی، به‌ویژه در میان نظام‌های کمونیستی مرکز و شرق اروپا، اصلی‌ترین علت مهاجرت‌های اجباری شناخته می‌شود. در حقیقت می‌توان اظهار داشت که وقایع مربوط به جنگ جهانی دوم و در پی آن جنگ سرد، اصلی‌ترین انگیزه نگارندگان کنوانسیون جهانی پناهندگان در گنجاندن این عبارت در تعریف پناهنده بوده است.^{۵۲}

«عضویت در برخی گروه‌های اجتماعی» نامشخص‌ترین زمینه ارائه شده برای شکنج‌ه است. راهنمای تعیین وضعیت پناهندگان، عضویت در برخی گروه‌های اجتماعی را با عنوان «افرادی با پیش‌زمینه‌ها، عادات و وضعیت اجتماعی مشترک» تعریف کرده است.^{۵۳} برخی نظریه‌پردازان معتقدند که عضویت در برخی گروه‌های اجتماعی تنها تأیید چهار علل دیگر شکنج‌ه است و در نتیجه تنها گروه‌های خاص نژادی، مذهبی، ملی و سیاسی را شامل می‌شود.^{۵۴} حال آنکه عده دیگری، با ارائه تفسیر موسع از این عبارت، معتقدند که اصطلاح گروه‌های اجتماعی باید بر اساس قواعد حقوق بشری تفسیر شود. در حقیقت این عده بر این باورند که گروه‌های اجتماعی در این تعریف، یک علت موسع است که قابلیت در برگرفتن عوامل متنوعی که ممکن است در آینده به وجود بیاید را نیز دارد. به‌طور کل می‌توان ابراز داشت که برای اینکه گروهی از افراد عضو یک گروه اجتماعی مشخص قرار گیرند همگی باید دارای یک مشخصه خاص غیرقابل تغییر باشند که همان مشخصه انگیزه اصلی برای شکنج‌ه آن‌ها قرار گرفته باشد. بر اساس این تفسیر، پناه‌جویان تغییرات اقلیمی نمی‌توانند در تعریف پناهنده کنوانسیون در ذیل عبارت «عضویت در برخی گروه‌های اجتماعی» قرار بگیرند، چراکه آن‌ها هیچ مشخصه شخصیتی مشترکی که علت پناه‌جویی آن‌ها بوده باشد، ندارند.^{۵۵} دیگر خصوصیت مهم تعریف کنوانسیون از پناهنده، حضور «شخص خارج از کشور

محل سکونت عادی خود» می‌باشد. این عبارت در واقع افراد تحت حمایت کنوانسیون را به پناهجویانی که از مرزهای بین‌المللی گذشته‌اند، محدود کرده و آوارگان داخلی را از حمایت کنوانسیون خارج می‌کند.^{۵۶}

با توجه به خصوصیات فوق‌الذکر، سؤال مهم پیش رو این است که آیا کنوانسیون جهانی پناهندگان و نیز پروتکل پناهندگان کمیساریای عالی پناهندگان، قابلیت حمایت از پناهندگان تغییر اقلیم را دارد؟ در ادامه به بررسی نظریات برخی نظریه‌پردازان در این باره خواهیم پرداخت. به عقیده جسیکا کوپر،^{۵۷} تفسیر رایج از ویژگی‌های اصلی تعریف پناهنده ارائه شده توسط کنوانسیون جهانی پناهندگان، افرادی را که به خاطر عوامل زیست‌محیطی ناچار به ترک محل زندگی خود شده‌اند، از حیطه شمول کنوانسیون خارج می‌کند. باین وجود وی معتقد است که ارائه تفاسیری متفاوت از این مشخصه‌های کلیدی می‌تواند حمایت کنوانسیون را به این گروه پناهندگان نیز تسری دهد. از دیدگاه کوپر، از یک طرف سهل‌انگاری دولت‌ها نسبت به محیط‌زیست یکی از عوامل تسهیل‌کننده وقوع فجایع زیست‌محیطی است و از طرف دیگر ناتوانی دولت‌ها در حمایت از شهروندان خود در مقابل عواقب این حوادث، زندگی افراد را در برابر این فجایع آسیب‌پذیرتر می‌کند. بنابراین، این شیوه مواجهه دولت‌ها با فجایع زیست‌محیطی می‌تواند نوعی از آزار (شکنجه) علیه شهروندان تلقی شود.^{۵۸}

اگرچه تلقی این امور ذیل عنوان شکنجه باهدف غایی گسترش حمایت کنوانسیون جهانی پناهندگان به پناهندگان تغییرات اقلیمی می‌تواند منجر به نتایج مثبتی شود، باید توجه داشت که هم‌اکنون عرفی و روانی و هم از حیث معنی لغوی، شکنجه معنای مشخص و معلومی دارد. از دیگر سو، افعال و سیاست‌های کلی دولت‌ها غالباً بر جمع نامعلومی از اشخاص جامعه اعمال می‌شود که این امر خود امکان تسری اصطلاح شکنجه، که عموماً عملی است علیه فرد یا افراد معدود و معین، بر آن را دشوار می‌سازد. گذشته از آن، تصمیمات دولت‌ها هرچند می‌تواند در مواردی بسیار مضر به حال جامعه و شهروندان باشد، عموماً با هدف اضرار به اشخاص صورت نمی‌گیرد، حال آنکه در شکنجه، مرتکب برای آزار طرف مقابل دست به این کار می‌زند. از حیث تاریخچه تدوین کنوانسیون نیز به نظر می‌رسد که نگارندگان این سند صرفاً شکنجه فیزیکی و روانی فرد پناهجو به معنای اخص کلمه را مورد نظر داشته‌اند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که تعمیم اصطلاح شکنجه به رفتار و تصمیمات غلط دولت‌ها در زمینه حفظ محیط زیست به منظور گسترش حیطه شمول این کنوانسیون چندان صحیح و مورد قبول نباشد.

در نقطه مقابل، دانا زارتر فالسترام^{۵۹}، ضمن نقد نظر جسیکا کوپر، ابراز می‌دارد که؛ «عضویت در برخی گروه‌های اجتماعی» بیش از هر چیز نیازمند این است که افراد دارای خصوصیات مشترکی باشند که آن‌ها را به یک گروه غیرقابل تفکیک تبدیل کند که این خصوصیت در آوارگان زیست‌محیطی یافت نمی‌شود.^{۶۰} به عقیده فالسترام، مهم‌ترین مسئله در مورد پناهندگان آب و هوایی، یافتن ارتباط مؤثر بین علت فرار و ویژگی خاص شخص پناه‌جو می‌باشد. علاوه بر این، او بر این باور است که پناهندگان آب و هوایی ترس موجه مشروط در ماده یک کنوانسیون جهانی پناهندگان را ندارند. او استدلال می‌کند که علل زیست‌محیطی که فرد را وادار به مهاجرت می‌کند معمولاً پراکنده بوده و افراد یا گروه‌هایی خاص را بر اساس ویژگی‌های آن‌ها مورد هدف قرار نمی‌دهد. در حقیقت، دلایل زیست‌محیطی مهاجرت، از جمله تغییر اقلیم، مردم را بدون هیچ تبعیضی در رابطه با نژاد، مذهب، ملیت، عقیده سیاسی و یا تعلق به گروهی خاص، مورد هجوم قرار می‌دهد. در واقع، لازمه تحقق شرط «شکنجه» موجود در تعریف کنوانسیون از پناهنده این است که فرد به دلیل ویژگی خاص شخصیتی خود و تنها به دلیل پنج زمینه ذکر شده در تعریف فوق، مورد شکنجه قرار گرفته باشد. بنابراین، کاملاً قابل درک است که فردی که به دلایل زیست‌محیطی مجبور به ترک محل زندگی خود شده است، از ترس جان و زندگی خود دست به گریز زده است، اما هیچ توجیه قانونی برای اینکه این ترس نوعی از «ترس موجه به علت شکنجه» شناخته شود، وجود ندارد.^{۶۱}

دوچرتی و جیانینی^{۶۲} نیز در مقاله مشترک خود درباره کنوانسیون مرتب با حمایت از پناهندگان تغییر اقلیم، بر این امر تأکید می‌کنند که ساختار کنونی کنوانسیون جهانی پناهندگان قابلیت حمایت از پناهندگان تغییر اقلیم را به‌عنوان گروهی از مهاجران که سال‌ها پس از نگارش کنوانسیون به وجود آمدند، ندارد.^{۶۳} آن‌ها بر این باورند که پناهندگان تغییر اقلیم نه تنها به علت شکنجه و آزار دولت متبوع خود دست به مهاجرت نمی‌زنند بلکه برخلاف

سایر پناهندگان، حتی پس از خروج از کشور نیز ممکن است همچنان بتوانند از حمایت دولت خود بهره ببرند. علاوه بر این، به عقیده این دو، شیوه‌های اجرایی و مدیریتی مورد نیاز برای حمایت از پناهندگان تغییر اقلیم خارج از گنجایش کنونی ساختار کمیسری ای عالی پناهندگان و اسناد وابسته به آن است.^{۶۴} اگرچه در مورد حیطه اختیار کنوانسیون جهانی پناهندگان تفاسیر و نظرات بسیار متفاوتی وجود دارد، این امر عموماً پذیرفته شده است که کنوانسیون در زمان تدوین قصد حمایت از پناهندگان زیست‌محیطی را نداشته است.^{۶۵}

به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که کنوانسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، حداقل با ساختار کنونی‌اش، سند مناسبی برای حمایت از پناهندگان تغییر اقلیم نیست؛ اول آنکه ویژگی‌های خاص پناهندگان ناشی از تغییرات اقلیمی با ویژگی‌های اصلی تعریف پناهنده ذکر شده در کنوانسیون، به‌ویژه «شکنجه» و «پنج دلیل ترس موجه» همخوانی ندارد. دوم اینکه، برخلاف عموم پناهندگان، پناهندگان تغییر اقلیم معمولاً همچنان قابلیت دریافت حمایت از دولت متبوع خود را دارند؛ ویژگی که با عبارت صریح کنوانسیون که «نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد» در تناقض کامل قرار می‌گیرد. سوم آنکه، در حالی که طبق تعریف کنوانسیون از پناهنده، شخص پناه‌جو باید در خارج از مرزهای دولت متبوع خود باشد، بسیاری از پناهندگان تغییر اقلیم در زمان درخواست پناهندگی هنوز از مرزهای بین‌المللی عبور نکرده‌اند. در نهایت اینکه، علاوه بر تمامی دلایل فوق‌الذکر که هرکدام به‌نوعی مربوط به تفاوت‌های تعریفی از مفاهیم است، یک گرایش عمومی ضد مهاجرپذیری بین شهروندان بیشتر کشورهای دنیا وجود دارد که دولت‌ها را به اعمال سیاست‌های انقباضی مهاجرتی، از جمله ارائه تفاسیر مضیق از مفهوم پناهنده، تشویق می‌کند.

ب) اساسنامه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ به‌عنوان یک نهاد غیرسیاسی سازمان و باهدف حمایت از پناهندگان تأسیس شده است. امروزه، کمیساریای عالی پناهندگان اصلی‌ترین نهاد بین‌المللی با وظیفه حمایت از پناهندگان شناخته می‌شود. در حقیقت کمیساریا

نه تنها نقش اصلی در نظارت بر مواجهه مناسب دولت‌ها و سازمان‌ها با پناهندگان را بر عهده دارد بلکه در جست‌وجوی راه‌کارهای بلندمدت برای مشکلات آن‌ها نیز می‌باشد. در واقع، کمیساریای عالی پناهندگان صلاحیت سازمانی برای حمایت از پناه‌جویانی را فراهم می‌کند که تحت شمول تعریف پناهنده ارائه شده در کنوانسیون قرار می‌گیرند. در کنار کنوانسیون جهانی پناهندگان، اساسنامه کمیساریا^{۶۶} نیز نقش مهمی در تعریف مفاهیم اولیه حقوق پناهندگان و نیز قانون‌نویسی کشورها در این زمینه ایفا می‌کند.^{۶۷}

اگرچه تعریف اساسنامه کمیساریا از مفهوم پناهنده، در دوره زمانی و نیز با زمینه‌های فکری مشابه با کنوانسیون جهانی پناهندگان تدوین شده است، این تعریف حداقل در دو جنبه اصلی از تعریف کنوانسیون وسیع‌تر است؛ اول آنکه این تعریف هیچ‌گونه محدودیت جغرافیایی را در بر نمی‌گیرد و دوم اینکه شکنجه را منحصر به پنج دلیل مذکور در ماده یک کنوانسیون نمی‌داند.^{۶۸} در واقع این اساسنامه، کمیساریای عالی پناهندگان را ملزم به حمایت از پناهندگان مشمول کنوانسیون و نیز «گروه معمولاً بزرگ‌تری از اشخاص که نمی‌توانند و یا فرض می‌شود که نمی‌توانند، از حمایت دولت متبوع خود بهره‌مند شوند و با عنوان اشخاص موردنظر اساسنامه و یا آوارگان» شناخته می‌شوند، می‌نماید.^{۶۹}

با تقاضای مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل^{۷۰} حوزه صلاحیت کمیساریا را به گروه وسیع‌تری از پناه‌جویان که از «درگیری مسلحانه و دیگر فجایع ساخته دست بشر» گریخته‌اند، نیز تسری داده است.^{۷۱} «فجایع ساخته دست بشر» توسط «گروه کارشناسان دولتی همکاری بین‌المللی برای ردّ موج جدید پناهندگان»^{۷۲} این‌گونه تعریف شده است:

جنگ، درگیری مسلحانه، تجاوز، سلطه بیگانه، مداخله مسلحانه خارجی، اشغال، استعمار، نظام‌های سرکوبگر جدایی طلب و نظام‌های نژادپرست که اعمال تبعیض یا شکنجه می‌کنند، آپارتاید، نقض حقوق بشر و آزادی‌های اولیه، تبعید اجباری گروهی، شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی که تمامیت جسمانی و بقای فرد را تهدید می‌کنند، مشکلات ساختاری توسعه، اخلاقی زیست‌محیطی ساخته دست بشر و آسیب‌های شدید زیست‌محیطی.^{۷۳}

علی‌رغم این تفسیر موسع، صرف دلایل زیست‌محیطی مهاجرت‌های اجباری، همچنان

به‌عنوان یک زمینه موجه برای پناهندگی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. با این حال، کمیساریا کمک‌های بشردوستانه لازم را برای قربانیان فجایع زیست‌محیطی فراهم می‌کند. در سال ۱۹۹۱، «اداره هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل»^{۷۴} با هدف کمک به قربانیان بحران‌های پیچیده و فجایع طبیعی تأسیس گردید. این سازمان از طریق کمک‌های مالی و نیز کمک‌های انسان دوستانه به حمایت از گروه آوارگانی که از فجایع طبیعی و بحران‌ها فرار می‌کنند، می‌پردازد.^{۷۵} اگرچه مؤکداً بیان شده این امور تنها جنبه کمکی داشته و منجر به ایجاد حق پناهندگی برای شخص پناهجو نمی‌شود.^{۷۶}

در نتیجه، به نظر می‌رسد که اساسنامه کمیساریای عالی پناهندگان تعریف وسیع‌تری برای مفهوم پناهنده ارائه می‌دهد که در ذات باید بتواند پناهندگان مرتبط با عوامل زیست‌محیطی را نیز مورد حمایت قرار دهد. با این وجود، این اساسنامه قابلیت اعطای حق پناهندگی را ندارد. اساسنامه تنها می‌تواند حمایت از کسانی را که با ضوابط کنوانسیون جهانی پناهندگان به‌عنوان پناهنده شناخته می‌شوند، نظم و ترتیب بخشد. در حقیقت نقش اصلی کمیساریای عالی پناهندگان تسهیل اجرای قواعد و ضوابط کنوانسیون می‌باشد.^{۷۷} از طرف دیگر، کمیساریای عالی پناهندگان تلاش کرده است برای قربانیان بلایای طبیعی که معمولاً بایسته‌های تعریف کنوانسیون در ارتباط با پناهنده را کسب نمی‌کنند، کمک‌های بشردوستانه ارائه دهد. اگرچه این کمک‌ها موقتی بوده و منجر به اعطای حق پناهندگی به این افراد نمی‌شود.

ج) اصول راهنمای مربوط به آوارگان داخلی ۱۹۹۸

به‌منظور گسترش حمایت کمیساریای عالی پناهندگان به آوارگانی که در محدوده کنوانسیون جهانی پناهندگان قرار نمی‌گیرند و با مجوز کمیته اجرایی کمیساریا و نیز مجمع عمومی سازمان ملل، کمیساریای عالی پناهندگان اقدامات حمایتی خود را به گروه‌های دیگری از مهاجران اجباری از جمله آوارگان داخلی و افراد بی‌کشور نیز گسترش داد. بدین ترتیب، در سال ۱۹۹۸، «اصول راهنمای مربوط به آوارگان داخلی سازمان ملل متحد» (از این پس: اصول راهنمای آوارگان داخلی)^{۷۸} تحت اختیار ماده ۹ کنوانسیون جهانی پناهندگان تدوین گردید. این ماده به کمیساریا اجازه می‌دهد که با دستور سازمان ملل و در محدوده منابعی که در اختیار دارد به دیگر فعالیت‌های حمایتی برای آوارگان نیز پردازد.^{۷۹}

اصول راهنمای آوارگان داخلی، شخص آواره داخلی را این‌گونه تعریف می‌کند:

فرد یا گروهی از افراد که به‌ویژه در نتیجه و یا به‌منظور جلوگیری از اثرات درگیری‌های مسلحانه، شرایط خشونت همه‌گیر، نقض حقوق بشر و یا فجایع طبیعی یا ساخته دست بشر، مجبور به فرار و یا ترک خانه یا محل اقامت همیشگی خود شده‌اند و هیچ مرز شناخته شده بین‌المللی کشور را ترک نکرده‌اند.^{۸۰}

به‌طور کلی، اصول راهنمای آوارگان داخلی در مطابقت با قواعد اولیه حقوق بشر بین‌الملل و حقوق بشردوستانه و به‌منظور تعیین حقوق اولیه آوارگان داخلی و ضمانت حمایت از آن‌ها تدوین شده است. اصول راهنمای آوارگان داخلی وظیفه اولیه کمک و حمایت از آوارگان داخلی را بر عهده دولت‌های متبوع آن‌ها می‌گذارد. اگرچه این مجموعه اصول برای دولت‌ها الزام‌آور نیستند، بنابر نظر مجمع عمومی سازمان ملل، این اصول «یک چهارچوب مهم بین‌المللی برای حمایت از آوارگان داخلی» را تشکیل می‌دهند.^{۸۱} اصول راهنمای آوارگان داخلی در مرحله نخست مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه به‌منظور جلوگیری از آوارگی افراد را ارائه می‌دهد. این اصول سعی دارد که ضمانتی باشد برای اینکه «هر انسانی می‌بایست حق داشته باشد که در مقابل آوارگی اجباری مورد حمایت قرار گیرد».^{۸۲}

با وجود این واقعیت که عدم تصویب رسمی اصول راهنمای آوارگان داخلی بی‌شک از میزان تأثیرگذاری آن می‌کاهد، این سند از مزایای زیادی نیز بهره‌مند است. در مقایسه با کنوانسیون جهانی پناهندگان، این اصول راهنما بستری منعطف‌تر برای کشورها فراهم می‌کند تا بتوانند سیاست‌های داخلی خود در ارتباط با آوارگان داخلی را با شیوه‌های متناسب و در پاسخ به نیازها و دغدغه‌های بومی خود توسعه دهند. در حقیقت، با وجود مقاومت‌هایی که در جامعه جهانی علیه تفسیر موسع قوانین حمایت از پناهندگان وجود دارد، چنین قوانین منعطفی می‌توانند همکاری بین دولت‌ها را گسترش دهند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که بهره‌گیری رو به رشد از اصول راهنمای آوارگان داخلی توسط دولت‌ها می‌تواند قواعد آن‌ها را به عرف بین‌المللی تبدیل کند که بر تمامی کشورها الزام‌آور است.

با توجه به این نکته که عموم پناهندگان مربوط به تغییر اقلیم مشتاق و قادر به ترک کشورهای خود نیستند، این اصول راهنما و قابلیت آن در حمایت از چنین آوارگانی، باید

به‌طور دقیق موردبررسی قرار گیرد. در نگاه نخست، تغییر اقلیم جزئی از «فجایع طبیعی و یا ساخته دست بشر» در تعریف آواره داخلی دیده می‌شود. اگرچه این تعریف مفهوم «فاجعه» را تبیین نکرده است، بسیاری از نظریه‌پردازان، مانند دوویت^{۸۳}، باور دارند که این واژه به وقایع ناگهانی - در مقابل تدریجی - اطلاق می‌شود. با این حال اگرچه تغییر اقلیم یک پدیده تدریجی است، عواقب آن می‌تواند هم به‌صورت ناگهانی و هم به‌صورت تدریجی رخ دهد. بنابراین، دوویت نتیجه می‌گیرد که راهنمای اصول آوارگان داخلی قابلیت این را دارد که پناهجویان مرتبط با تغییر اقلیمی را که از مرزهای بین‌المللی نمی‌گذرند موردحمایت قرار دهد. علی‌رغم این پتانسیل، دوویت معتقد است که اصول راهنما، که مسئولیت اصلی را بر عهده دولت‌های محلی می‌گذارد، نه به خاطر محدودیت‌های تعریفی، بلکه به سبب این حقیقت که تغییر اقلیم یک پدیده جهانی است که مدیریت آن نیز مسئولیت مشترک جامعه جهانی محسوب می‌شود، نمی‌تواند حمایت مناسب و کافی را از پناهندگان مرتبط با تغییر اقلیم فراهم نماید.^{۸۴}

اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد که این اصول راهنما تا حد زیادی قابلیت حمایت از آوارگان مربوط به تغییر اقلیم را دارد، در عمل، این سند در بسیاری از جنبه‌ها نتوانسته است این قابلیت بالقوه را به فعل تبدیل کند. اول آنکه استفاده از یک چهارچوب از پیش آماده که از ابتدا با قصد پاسخگویی به نیازهای پناهندگان مربوط به تغییرات اقلیمی طراحی نشده است برای حمایت از این افراد، می‌تواند منجر به کم‌اهمیت جلوه دادن نیازهای این گروه آوارگان بشود.^{۸۵} همچنین باید توجه داشت که به علت غیر الزام‌آور بودن، این سند نتوانسته مقبولیت چندانی در سطح جهانی به دست آورد. و در نهایت آنکه اگرچه بسیاری از آوارگان مربوط به تغییر اقلیم در حدود مرزهای داخلی کوچ می‌کنند، این جابجایی‌های داخلی کوتاه‌مدت، در بلندمدت می‌توانند منجر به جابجایی‌های بین‌المللی شود که به شمار دیگر پناهندگان شناخته‌شده اضافه شوند.

۲. حمایت اسناد منطقه‌ای

تفاسیر متفاوت از تعریف پناهنده ارائه شده توسط کنوانسیون جهانی پناهندگان و نیز

سیاست‌های مهاجرتی متفاوت در مناطق مختلف دنیا، دولت‌ها را بر آن داشته است که به‌منظور پاسخگویی به نیازهای خاص پناه‌جویان در هر منطقه اقدام به تدوین اسناد منطقه‌ای مناسب کنند. کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا (اتحادیه آفریقای کنونی) و نیز اعلامیه کارتاگنا دو سند مشهور منطقه‌ای در حمایت از پناهندگان می‌باشند. هر دوی این اسناد ضمن تأیید حقوق اولیه موردنظر کنوانسیون جهانی پناهندگان، حمایت‌های خود را به گروه وسیع‌تری از پناه‌جویان، از جمله قربانیان درگیری‌های مسلحانه و اخلال جدی در نظم عمومی، نیز گسترش می‌دهند.^{۸۶} قاره آفریقا در سال‌های اخیر، پا را فراتر گذاشته و با تصویب کنوانسیون کامپالا به‌عنوان سندی تخصصی برای حمایت از آوارگان داخلی، به‌طور مستقیم آوارگان داخلی مربوط به تغییر اقلیم را نیز مورد حمایت قرار داده است. در نقطه مقابل، درحالی‌که تغییر اقلیم به‌طور گسترده و قریب‌الوقوعی کشورهای جنوب و شرق آسیا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، هنوز هیچ‌گونه اقدام حقوقی متناسب منطقه‌ای برای حمایت از پناه‌جویان مرتبط با تغییر اقلیم در این منطقه اتخاذ نشده است. از سوی دیگر، اروپا به‌عنوان خاستگاه قوانین مربوط به پناهندگان و نیز به‌عنوان قاره‌ای که تاکنون سهم بزرگی‌تری از پناه‌جویان را به خود جذب کرده است، امروزه با اتخاذ انواعی از سیاست‌های ضد مهاجرتی در تلاش است تا تعداد پناه‌جویانی را که از مرزهای آن عبور می‌کنند، کاهش دهد.^{۸۷}

لازم به ذکر است که گرچه تمامی اسناد منطقه‌ای مرتبط با حقوق پناهندگان تنها در منطقه موردنظر قابلیت اجرا دارند، اتکای آن‌ها به مفاهیم اولیه کنوانسیون جهانی پناهندگان، در حقیقت تأییدی بر شاخصه «اساسی و جهانی» بودن این کنوانسیون می‌باشد.^{۸۸} در این قسمت، به‌عنوان نمونه اسناد بین‌المللی منطقه‌ای مرتبط، کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا، اعلامیه کارتاگنا و نیز کنوانسیون کامپالا باهدف بررسی قابلیت آن‌ها در حمایت از پناه‌جویان تغییر اقلیم مورد بحث قرار می‌گیرند.

الف) کنوانسیون آفریقا ۱۹۶۹

«کنوانسیون مربوط به جنبه‌های خاصی از مشکلات پناهندگان در آفریقا» (از این پس: کنوانسیون آفریقا)^{۸۹} در سال ۱۹۶۹ توسط سازمان وحدت آفریقا (که در سال ۲۰۰۲ اتحادیه

آفریقا جایگزین آن شد) مورد پذیرش قرار گرفت. این کنوانسیون بر پایه تعاریف کنوانسیون جهانی پناهندگان و با توجه به مصائب خاص پناهجویان در قاره آفریقا نگاشته شده است.^{۹۰} تا سال ۱۹۶۷ و قبل از تصویب پروتکل کنوانسیون جهانی پناهندگان سازمان ملل، بسیاری از پناهجویان آفریقا به سبب محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی متن کنوانسیون جهانی پناهندگان، از حمایت آن بهره‌مند نبودند. حتی پس از تصویب پروتکل نیز به دلیل محدودیت‌های تعریف کنوانسیون از پناهنده، بسیاری از پناهجویان آفریقایی، از جمله قربانیان درگیری‌های مسلحانه، مشمول حمایت کنوانسیون و پروتکل آن قرار نمی‌گرفتند.^{۹۱} بدین ترتیب، کنوانسیون آفریقا باهدف حمایت از این گروه پناهجویان تدوین شده است. در حقیقت، موقعیت خاص سیاسی دولت‌های آفریقایی آن‌ها را مستعد نمود که به‌طور داوطلبانه اقدام به تدوین این سند منطقه‌ای کرده و مشتاقانه مسئولیت‌های مازادی را در قبال پناهجویان محلی متحمل شوند. کنوانسیون آفریقا در حقیقت تنظیم‌کننده روابط بین کشورهای پناهنده فرست و پناهنده‌پذیر در منطقه می‌باشد.^{۹۲}

کنوانسیون آفریقا دو گروه از پناهجویان را به رسمیت می‌شناسد؛ نخست پناهندگانی که توسط کنوانسیون جهانی پناهندگان حائز شرایط هستند و دوم، کسانی که «به سبب تهاجم خارجی، اشغال، سلطه خارجی و یا وقایعی که شدیداً نظم عمومی را مختل می‌کنند در بخش یا کل کشور متبوع خود، مجبور می‌شوند که محل زندگی دائمی خود را به‌منظور پناه جستن در محلی غیر از کشور اولیه خود ترک کنند».^{۹۳}

این تعریف گسترده از پناهنده باهدف حمایت از آوارگی‌های جمعی و نیز قربانیان جنگ‌های داخلی در نتیجه تلاش برای استقلال در منطقه اتخاذ شده است.^{۹۴} این گسترش تعریف به‌طور کیفی رخ داده که شامل هر دو جنبه ذهنی و عملی می‌شود. «نقض عامدانه حقوق بشر» تشکیل‌دهنده جنبه ذهنی و شرایط مربوط به خشونت‌های عمومی و «اخلال نظم عمومی» تشکیل‌دهنده جنبه عملی این تعریف است.^{۹۵} می‌توان ادعا کرد که کنوانسیون آفریقا عناصر ابتدایی اروپا محور کنوانسیون جهانی پناهندگان را به شاخصه‌های خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بخش‌های در حال توسعه دنیا گره زده است.^{۹۶} همچنین باید به یاد داشت که کنوانسیون آفریقا از پناهندگان آفریقایی گریزان از ناآرامی‌های

داخلی به‌طور موقت حمایت می‌کند و رویکرد نگارندگان کنوانسیون آفریقا بر این بوده است که با اتمام درگیری‌های داخلی این گروه می‌توانند به زادگاه اصلی خود بازگردند و نیازی به حمایت‌های دائمی فراملی ندارند.^{۹۷}

اگرچه هیچ تردیدی نیست که کنوانسیون آفریقا در ابتدا قصد حمایت از پناهندگان زیست‌محیطی را نداشته است، عبارت «اخلال جدی در نظم عمومی» این قابلیت را دارد که با تفسیر موسع، قربانیان فجایع طبیعی را نیز شامل شود.^{۹۸} با این حال، به نظر می‌رسد که ویژگی موقت بودن حمایتی که این کنوانسیون ارائه می‌دهد، مناسب پاسخگویی به نیازهای پناهندگان مربوط به تغییرات اقلیمی که عموماً دیگر قادر به بازگشت به محل اولیه زندگی خود نیستند، نمی‌باشد. علاوه بر این، بازنگری کوتاهی بر عملکرد کشورهای آفریقایی در اجرای این کنوانسیون نشان می‌دهد که، حداقل تا به امروز، گرایش در گسترش حمایت کنوانسیون بر پناهندگان تغییر اقلیم در بین این دولت‌ها وجود نداشته است.

همان‌طور که اشاره شد، کنوانسیون جهانی پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ تنها افرادی را مورد حمایت قرار می‌دهند که به دلیل شکنجه‌های مرتبط با مسائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی مجبور به ترک محل زندگی خود شده‌اند. در مقابل، کنوانسیون وحدت آفریقا با ارائه تعریفی گسترده‌تر برای مفهوم پناهنده قربانیان اخلال در نظم عمومی کشورهای عضو را نیز مورد حمایت قرار می‌دهد.^{۹۹} با این وجود و علی‌رغم قابلیت این سند برای ارائه کمک به پناهنده‌های تغییر اقلیمی، حمایت از این گروه از پناهنده‌ها در اهداف ابتدایی تدوین سند مزبور نبوده و در عین حال تفاسیر رسمی ارائه‌شده توسط کشورها و نیز عرف عملی منطقه، شمول پناهنده‌های تغییرات اقلیمی در حدود حمایت قانونی این سند را رد می‌کند. با این حال چنین تعاریف گسترده‌ای از مفهوم پناهنده می‌تواند به‌عنوان گامی مؤثر راه را برای تغییر تعریف رایج از مفهوم پناهنده و به تبع آن امکان گسترش حمایت‌های بین‌المللی از پناهندگان نوظهوری چون پناهندگان تغییرات اقلیمی هموار کند.

ب) اعلامیه کارتاگنا ۱۹۸۴

«اعلامیه کارتاگنا در ارتباط با پناهندگان» (از این پس: اعلامیه کارتاگنا) در سال ۱۹۸۴

توسط کنفرانس بین‌المللی حمایت از پناهندگان در آمریکای مرکزی، مکزیک و پاناما و باهدف گسترش حمایت از پناهندگان در میان اعضا در منطقه تدوین شده است.^{۱۱} این اعلامیه قصد دارد که بیش از دو میلیون نفر قربانی را که طی ده سال درگیری‌های مسلحانه و خشونت‌های جمعی در منطقه، زندگی‌شان تحت تأثیر قرار داده است، مورد حمایت قرار دارد. بدین ترتیب اعلامیه کارتاگنا تعریف پناهنده را این‌گونه گسترش داده است:

علاوه بر شمول عناصر کنوانسیون جهانی پناهندگان... و نیز پروتکل ۱۹۶۷... [عنوان پناهنده] شامل کسانی می‌شود که از کشور خود به خاطر اینکه زندگی، امنیت و آزادی‌شان به سبب خشونت‌های جمعی، تجاوز خارجی، درگیری‌های داخلی، نقض گسترده حقوق بشر و یا دیگر شرایط مختل‌کننده نظم عمومی، تهدید شده‌اند، فرار کرده‌اند.^{۱۲}

تعریف ارائه‌شده توسط اعلامیه کارتاگنا همسو با تعریف کنوانسیون وحدت آفریقا، تعریف کنوانسیون جهانی پناهندگان سازمان ملل را باهدف پاسخ به نیازهای خاص پناهجویان در آمریکای مرکزی گسترش داده است. نکته قابل توجه این است که باوجود غیر الزام‌آور بودن این اعلامیه، این سند نشانه‌ای از توجه کشورهای منطقه به وضعیت پناهندگان در آمریکای مرکزی است. کشورهای آمریکای مرکزی عرف‌هایی را که تا پیش از این در کشورهايشان اجرا می‌کردند توسط اعلامیه کارتاگنا گسترش داده‌اند. بنابراین، علی‌رغم غیر الزام‌آور بودن، اعلامیه کارتاگنا به بستری همگون برای تغییر سیاست‌های مربوط به پناهندگان در منطقه تبدیل شده است.^{۱۳}

همانند کنوانسیون وحدت آفریقا، اگرچه نگارندگان اعلامیه کارتاگنا در زمان نگارش اعلامیه، توجهی به پناهندگان مربوط به تغییر اقلیم نداشته‌اند، در ظاهر می‌توان ادعا کرد که «فجایع طبیعی» در حدود شمول عبارت «اخلال در نظم عمومی» قرار می‌گیرند. با این حال، براساس تفسیر ارائه‌شده توسط کنفرانس پناهندگان آمریکای مرکزی، اخلال در نظم عمومی، فجایع طبیعی را شامل نمی‌شود و قربانیان بلایای طبیعی مورد حمایت این اعلامیه قرار نمی‌گیرند.^{۱۴} نه تنها تفسیر رسمی ارائه‌شده بلکه شیوه عمل کشورهای منطقه نیز از شمول این سند بر پناهنده‌های تغییر اقلیمی حکایت نمی‌کند. با این حال همانند آنچه در مورد کنوانسیون آفریقا اشاره شد، اعلامیه کارتاگنا با ارائه تعریفی گسترده‌تر از تعریف کنوانسیون

جهانی برای مفهوم پناهنده و مطابقت تعریف جدید با نیازهای خاص منطقه شرایط را برای تغییر و تحولات لازم در اسناد بین‌المللی برای حمایت از گروه‌های جدیدتر پناهندگان فراهم می‌کند. با توجه به این نکته که پیش‌بینی می‌شود در آینده‌ای نه‌چندان دور، منطقه مخاطب این سند، در کنار آفریقا و آسیای شرقی بیشترین تعداد پناهندگان مرتبط با تغییر اقلیم را به دیگر نقاط صادر کنند،^{۱۰۵} این نگاه بومی و نیز پذیرش حمایت‌های گسترده‌تر از پناهندگان توسط دولت‌های منطقه، می‌تواند نقش مؤثری در تغییر عرف بین‌المللی و نیز زمینه‌ای برای توسعه حمایت از پناهندگان تغییر اقلیم در آینده به شمار آید.

ب) کنوانسیون کامپالا

«کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای حمایت و کمک به آوارگان داخلی قاره آفریقا»^{۱۰۶} معروف به «کنوانسیون کامپالا» در سال ۲۰۰۹ و در نتیجه سال‌ها همکاری نزدیک سازمان وحدت آفریقا با سازمان‌های مرتبط بین‌المللی از جمله کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، سازمان جهانی مهاجرت و صلیب سرخ جهانی، به تصویب رسیده و از سال ۲۰۱۲ برای کشورهای امضاکننده لازم‌الاجرا شده است.^{۱۰۷} هدف اصلی از تصویب این کنوانسیون، رسیدگی به امور آوارگان داخلی است که به سبب درگیری‌های مسلحانه، فجایع طبیعی و یا پروژه‌های عظیم مربوط به توسعه در این قاره مجبور به ترک محل زندگی خود شده‌اند.^{۱۰۸} با پیش از ده میلیون نفر آواره در اثر درگیری‌های مسلحانه و تعداد نامعلومی آواره فجایع زیست‌محیطی، قاره آفریقا بیشترین تعداد آوارگان داخلی در دنیا را به خود اختصاص داده است.^{۱۰۹} گرچه آمار دقیقی از تعداد آوارگان مرتبط به فجایع طبیعی در قاره آفریقا در دست نیست، بی‌تردید شمار این افراد رو به افزایش است. گفته شده است که تنها در سال ۲۰۱۱، بیش از یک و نیم میلیون سودانی در اثر خشک‌سالی و قحطی مجبور به ترک محل طبیعی زندگی خود شده‌اند.^{۱۱۰} بنابراین، کنوانسیون کامپالا، به‌منظور حمایت از چنین آوارگانی که در حدود مرزهای شناخته‌شده کشور خود جایجا می‌شوند تصویب گردیده است.

هدف اولیه از تصویب کنوانسیون کامپالا، یافتن راهکاری بلندمدت برای چالش‌های متعدد مربوط به آوارگان داخلی در قاره آفریقا است. با این حال باید توجه داشت که توجه

به تأثیرات فجایع زیست‌محیطی بر مهاجرت در این قاره به‌پیش از اتخاذ کنوانسیون کامپالا بازمی‌گردد. پیش‌تر، گروه آفریقایی حقوق بشر و مردمان^{۱۱۱}، به وضع قواعد بنیادینی پرداخت که به تأثیرات تغییر اقلیم بر حقوق بشر اشاره داشت. به‌علاوه در سال ۲۰۰۶، اتحادیه آفریقا خط‌مشی‌های مرتبط با مهاجرت را تصویب نمود که در آن ضمن تأکید بر ارتباط نزدیک محیط‌زیست و مهاجرت، کشورهای عضو سازمان را به اتخاذ تدابیر لازم برای مدیریت تأثیر عوامل زیست‌محیطی بر مهاجرت تشویق می‌کند.^{۱۱۲} همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، کنوانسیون آفریقا نیز در صورت تفسیر موسع به‌طور بالقوه قابلیت گسترش حمایت خود به پناهنده‌های تغییرات آب و هوایی را دارد.

در بند ۲۲ اعلامیه تأسیس کنوانسیون کامپالا، کشورهای عضو، خود را متعهد نموده‌اند که با چالش‌های برخاسته از تغییرات اقلیمی مقابله کنند.^{۱۱۳} کنوانسیون کامپالا در مقدمه و همچنین حین تعریف مفهوم آواره داخلی به آوارگان ناشی از فجایع زیست‌محیطی نیز اشاره کرده است.^{۱۱۴} کنوانسیون کامپالا در بند ۴ ماده ۵ تغییر اقلیم را صراحتاً نوعی فاجعه طبیعی دانسته و آوارگان داخلی ناشی از آن را تحت حمایت مستقیم این کنوانسیون قرار داده است.^{۱۱۵} علاوه بر این، کنوانسیون برخلاف عرف رایج در تعاریف ارائه‌شده اسناد مشابه، تنها اشخاصی را که به سبب عوامل زیست‌محیطی مجبور به مهاجرت شده‌اند را در درنمی‌گیرد، بلکه حمایت خود را به گروه وسیع‌تری از اشخاص که به سبب پیش‌بینی اثرات این فجایع در آینده و یا برای جلوگیری از عواقب آن، دست به مهاجرت زده‌اند نیز تسری می‌دهد.^{۱۱۶} این کنوانسیون کشورهای عضو را ملزم می‌دارد تا با اتخاذ تدابیر مقتضی از افزایش ظهور آوارگان داخلی پیشگیری کنند و در مرحله بعد، شرایط مناسب برای کمک و حمایت از آن‌ها را فراهم آورند. در واقع، کنوانسیون کامپالا وظیفه اصلی حمایت از آوارگان داخلی را بر عهده دول متبوعه آن‌ها می‌گذارد.^{۱۱۷} یکی از جنبه‌های متفاوت کنوانسیون کامپالا این است که در کنار دولت‌های منطقه، به تعیین وظایف سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های جوامع مدنی و اتحادیه آفریقا در مورد آوارگان داخلی این قاره پرداخته و روابط بین آن‌ها را نیز مدیریت می‌کند. اگرچه از نظر حقوقی این سازمان‌ها حق عضویت در کنوانسیون را ندارند، اما در عمل با توجه به

اینکه قواعد مذکور در این سند مبین عرف رایج و یا سایر قواعد الزام‌آور منطقه است، این سازمان‌ها ملزم به رعایت اصول مندرج در آن می‌باشند. وظایف ذکرشده برای این نهادها، موارد عمومی همچون احترام به قوانین بین‌المللی و قواعد ملّی کشورها و نیز احترام به حقوق انسانی شخص آواره را شامل می‌شود.^{۱۱۸} علاوه بر دولت‌ها و نهادهای فوق‌الذکر، کنوانسیون کامپالا در مواردی گروه‌های مسلحانه را نیز مخاطب قرار داده و آن‌ها را مسئول تمامی اعمالشان در ارتباط با آوارگان می‌داند. این مسئولیت اگرچه اماره‌ای بر حقانیت این گروه‌ها نیست، هر دو نوع مسئولیت کیفری و نیز حقوق بشری این گروه‌ها را شامل می‌شود. علی‌رغم تأکید کنوانسیون کامپالا بر اصول اساسی مذکور در سند اصول راهنمای آوارگان داخلی و شباهت‌های بنیادین این دو سند با یکدیگر، این دو در چند بخش تفاوت‌های مهمی دارند. اول آنکه گرچه اصول راهنمای آوارگان داخلی عموماً به حقوق و نیازهای آوارگان داخلی می‌پردازد، کنوانسیون کامپالا غالباً بر مسئولیت دولت‌ها در قبال این آوارگان تأکید دارد. علاوه بر این، گرچه اصول راهنمای آوارگان داخل سندی بین‌المللی اما غیر الزام‌آور است، کنوانسیون کامپالا بر کشورهای عضو در منطقه الزام‌آور می‌باشد. مهم‌تر اینکه کنوانسیون کامپالا در مقایسه با اصول راهنمای آوارگان داخلی، به‌طور گسترده‌تری به آوارگان ناشی از فجایع زیست‌محیطی، از جمله تغییر اقلیم می‌پردازد.^{۱۲۰}

اگرچه حمایت اولیه کنوانسیون تنها شامل آوارگانی می‌شود که از کشور اولیه خود خارج نشده‌اند، به‌نظر می‌رسد با تأکید کنوانسیون کامپالا بر اصلاح زیرساخت‌های کشورهای عضو و فراهم آوردن شرایط مناسب برای پیشگیری از ظهور آوارگان، حمایت‌های آن به‌صورت غیرمستقیم دیگر پناهندگان را نیز در برگیرد.^{۱۲۱} می‌توان ادعا نمود که کنوانسیون کامپالا تنها سند حقوقی است که به‌صورت مستقیم آوارگان ناشی از تغییرات اقلیمی را مورد حمایت خود قرار می‌دهد. تصویب این کنوانسیون نشان‌دهنده اهمیت اتخاذ تدابیر منطقه‌ای برای مقابله با آثار مخرب فجایع زیست‌محیطی است. کنوانسیون کامپالا نه تنها قربانیان فجایع زیست‌محیطی را مورد حمایت قرار می‌دهد و مسئولیت دولت‌ها در قبال اثرات مخرب این فجایع را گسترش می‌دهد، بلکه دولت‌ها را ملزم به یافتن راهکارهای بلندمدت برای جلوگیری از آوارگی افراد در آینده می‌کند.

علی‌رغم تمامی نکات مثبت تصویب چنین سندی برای حمایت از آوارگان مربوط به تغییر اقلیم، باید توجه داشت که این کنوانسیون تنها برای حمایت از آوارگان داخلی تصویب شده است، در حالی که بسیاری از آوارگان مرتبط با تغییرات اقلیمی مجبور به عبور از مرزهای بین‌المللی می‌شوند. بعلاوه اینکه این کنوانسیون تنها در سطح منطقه لازم‌الاجرا بوده و نیاز به اسناد بین‌المللی با حوزه اختیار وسیع‌تر برای حمایت از این آوارگان همچنان پابرجاست؛ و در نهایت باید این نکته را در نظر داشت که با توجه به تأکید متن این سند بر مسئولیت دولت‌ها در حمایت از این آوارگان، تنها زمان می‌تواند نشان دهد که در واقعیت چنین اسنادی تا چه حد می‌تواند حمایت مناسب برای آوارگان مرتبط با تغییر اقلیم را فراهم کند.

دست‌آورد

تأثیر تغییرات اقلیمی بر زندگی انسان‌ها رو به افزایش است. در نتیجه تغییراتی مانند بالا آمدن سطح آب دریا، طوفان‌های شدید و کمبود آب، میلیون‌ها انسان در نقاط مختلف دنیا مجبور به ترک زیستگاه ابتدایی خود می‌شوند. شدیدترین اثر این تغییرات اقلیمی در فقیرترین نقاط دنیا رخ می‌دهد؛ مناطقی که نه تنها به لحاظ جغرافیایی آسیب‌پذیرتر هستند بلکه دولت‌های مربوطه نیز از لحاظ سیاسی و اقتصادی برای مقابله با اثرات مخرب این بلاهای طبیعی ناتوان بوده و جامعه نیز برای مقابله با این آسیب‌ها آموزش مناسب ندیده است.

اگرچه اصولاً حمایت از پناهجویان بر عهده کشورها می‌باشد، در عرصه بین‌المللی نیز تعدادی نهاد بین‌الدولی به منظور تدوین قواعد و اصول متحدالشکل برای حمایت از پناهندگان ایجاد شده است. در واقع، اگرچه برخورد کلی دولت‌ها با پناهجویان متأثر از سیاست‌های کلی آن‌هاست، اما از حیث حقوقی و سیاسی ملزم به رعایت قواعد بین‌المللی و یا منطقه‌ای لازم‌الاجرا و نیز عرف حاکم هستند.

در سطح بین‌المللی، کنوانسیون جهانی پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ ساختار بنیادینی برای حمایت از پناهندگان تشکیل می‌دهد. تعریف کنوانسیون جهانی پناهندگان از «پناهنده» به‌علاوه حقوق و مسئولیت‌هایی که برای شخص پناهنده و کشورها در نظر گرفته است،

شالوده‌ای برای وضع قوانین داخلی کشورها و دیگر تلاش‌های منطقه‌ای به شمار می‌رود. علی‌رغم تفاسیر متعدد برای تعریف پناهنده، تردیدی نیست که شرایط خاص این تعریف از جمله نیاز به وجود «شکنجه» بر پایه پنج زمینه نام‌برده شده، حدود شمول این تعریف را محدود می‌کند. اگرچه برخی نظریه‌پردازان بر این عقیده‌اند که تفاسیر موسع از تعریف پناهنده می‌تواند پناهندگان تغییر اقلیم را تحت شمول این کنوانسیون قرار دهد، به‌طور کلی پذیرفته شده است که متن کنونی کنوانسیون هیچ‌گونه حمایتی از پناهندگان زیست‌محیطی، از جمله پناهندگان مرتبط با تغییر اقلیم، ارائه نمی‌کند.

با وجود اینکه اساسنامه کمیساریای عالی پناهندگان و نیز اصول راهنمای آوارگان داخلی قواعد و اصول متفاوتی برای حمایت از شخص پناه‌جو پیشنهاد می‌کنند، در واقعیت هر دو پیرو همان مسیر طی شده کنوانسیون جهانی پناهندگان هستند. اگرچه اصلی‌ترین وظیفه کمیساریای عالی پناهندگان، اجرای کنوانسیون می‌باشد، اساسنامه کمیساریا خود تعریف گسترده‌تری از «پناهنده» ارائه داده است. گرچه ظاهراً این تعریف می‌تواند پناهندگان تغییر اقلیم را نیز شامل شود، در عمل اساسنامه کمیساریا تنها تعیین‌کننده حدود اختیارات کمیساریا بوده و قابلیت اعطای حق پناهندگی به افراد را ندارد.^{۱۲۲}

در حالی که کشورهای مرفه، مانند کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا، که به‌طور سنتی میزان تعداد بیشتری از پناهندگان هستند، مایل به محدود کردن سیاست‌های مهاجرتی خود می‌باشند، قسمت‌های کمتر پیشرفته دنیا تلاش می‌کنند که اقدامات پناهنده-دوستانه خود را گسترش دهند. این امر غالباً از طریق تعدیل قواعد بین‌المللی مربوط به پناهندگان و تدوین اسناد منطقه‌ای صورت می‌گیرد.

هر سه سند منطقه‌ای بررسی شده در این مقاله، یعنی کنوانسیون آفریقا، اعلامیه کارتاگنا و نیز کنوانسیون کامپالا، باهدف افزایش حمایت از پناهندگان تدوین شده‌اند. کنوانسیون آفریقا و نیز اعلامیه کارتاگنا با توجه به وضعیت خاص منطقه، به قربانیان درگیری‌های مسلحانه و اخلال در نظم عمومی جامعه حق پناهندگی اعطا می‌کنند. اگرچه در ظاهر شرایط آسان‌تر این اسناد منطقه‌ای می‌تواند اسباب حمایت از پناهندگان تغییر اقلیم را نیز فراهم کند، در عمل نه قصد نگارندگان این اسناد و نه منش دولت‌های اجراکننده امکان

شمول این دسته از پناهندگان در اسناد ذکر شده را نمی‌دهد. در نقطه مقابل، کنوانسیون کامپالانه تنها صراحتاً آوارگان ناشی از تغییر اقلیم را مورد حمایت قرار می‌دهد بلکه دولت‌های منطقه را ملزم می‌دارد که تدابیر لازم جهت کاهش روند آوارگی افراد را اتخاذ کنند. با این وجود، همان‌طور که اشاره شد این سند منطقه‌ای تنها آوارگان داخلی ناشی از این فجایع را مورد حمایت قرار می‌دهد و پناه‌جویانی که در اثر تغییرات اقلیمی ناچار به ترک کشور خود می‌شوند تحت حمایت این سند قرار نمی‌گیرند. علی‌رغم این واقعیت، باید در نظر داشت که همکاری بیش از نیمی از کشورهای جهان در تدوین این سه سند منطقه‌ای نسبتاً موسع نشان‌دهنده تمایل بسیاری از کشورها در تغییر سیاست‌های بین‌المللی در قبال پناهندگان می‌باشد. این نگرش بی‌شک در تصمیم‌گیری‌های جهانی در ارتباط با حقوق و وضعیت پناه‌جویان در آینده مؤثر خواهد بود. یکی از اولین نشانه‌های این تأثیر را می‌توان در یکی از انتشارات کمیساریای عالی پناهندگان یافت که در آن تأکید می‌شود که امروزه مفهوم پناهنده تنها به تعریف ارائه‌شده کنوانسیون محدود نمی‌شود و تعاریف کنوانسیون آفریقا و نیز اعلامیه کارتاگنا، حداقل در سطح منطقه متبوع خود، به رسمیت شناخته می‌شوند.^{۱۲۳}

با وجود این در نهایت باید نتیجه گرفت که اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حاضر در ارتباط با وضعیت پناهندگان، حداقل با شرایط کنونی‌شان، قابلیت حمایت از تمامی افراد این گروه رو به رشد پناه‌جویان ناشی از تغییرات اقلیمی را ندارند. به‌طور مثال در حالی که حداقل شش کشور از لیست ده کشوری که بیشترین آسیب‌پذیری را در مقابل اثرات تغییر اقلیم دارند، در منطقه جنوب و جنوب شرق آسیا واقع شده‌اند، هنوز هیچ سند منطقه‌ای مدوئی برای شناخت و حمایت از پناه‌جویان مرتبط با تغییر اقلیم در این منطقه تهیه نشده است. این در حالی است که طبق گفته بانک توسعه آسیا فقط در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ بیش از چهل و دو میلیون نفر در این منطقه به علت جریان‌های شدید آب و هوایی که از نتایج مستقیم تغییرات اقلیمی است، آواره شده‌اند.^{۱۲۴}

با گسترش آثار مخرب تغییرات اقلیمی بر زندگی جوامع و بخصوص تعداد رو به فزونی پناه‌جویان ناشی از عوامل زیست‌محیطی، نظریه‌پردازان بیشتری به یافتن راهکارهای مناسب برای حمایت از این پناه‌جویان پرداخته‌اند. در حالی که گروه اندکی از این نظریه‌پردازان بر

این باورند که قواعد موجود با اصلاحات مقتضی می‌توانند شرایط حمایتی لازم برای پناهجویان تغییر اقلیم را فراهم کنند، باور عمومی بر این است که سازوکارهای کنونی حمایت از پناهندگان برای این گروه نوظهور مناسب نبوده و شناخت صحیح از وضعیت پناهجویان تغییر اقلیم و فراهم نمودن حمایت مناسب از این افراد نیازمند تدوین قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای مختص آنان می‌باشد. اگرچه کنوانسیون کامپالا را می‌توان نمونه نسبتاً موفق این نظریه دانست. با این حال، اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد که این اصول و قواعد اختصاصی باید به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از نهادهای حمایتی پناهندگان تشکیل شود، امروزه غالب صاحب‌نظران بر این امر تأکید دارند که با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد پناهجویان تغییرات اقلیمی، اصول حمایتی آن‌ها می‌بایست به‌عنوان بخش لاینفکی از اسناد و نهادهای مرتبط با تغییرات اقلیمی شکل بگیرد. در حقیقت با توجه به اهمیت روزافزون تغییرات اقلیمی و تلاش و همکاری فزاینده کشورها و سازمان‌های غیردولتی در کاهش اثرات مخرب آن، توجه به پناهجویان ناشی از تغییر اقلیم نیز می‌باید به‌عنوان بخشی از نتایج این تغییرات در دستور کار این تلاش‌ها قرار گیرد تا بتوان به‌طور سریع و موثر به نیازهای حمایتی این گروه رو به رشد پناهجویان پاسخ داد.

در آخر آنکه، همان‌گونه که پیش‌ازین اشاره شد، موضوع پناهندگان تغییرات اقلیمی موضوع روز جهان، به‌ویژه کشورهای پیشرفته است. سیل بی‌شمار پناهجویان سوری که در تابستان ۲۰۱۵ وارد مرزهای اتحادیه اروپا گردیده و کشورهای منطقه را با چالش جدی مواجه ساخت گواه بر این امر است که جهان امروز نیازمند بازنگری در قوانین و قواعد بین‌المللی برای حمایت مناسب از گروه‌های جدید پناهجو در قرن پیش روست. حال آنکه در نگاه نخست این مهاجران سوری در اثر جنگ و ناامنی‌های داخلی مجبور به ترک شهرهای خود گشته‌اند، مطالعه‌ای عمیق‌تر در علل و عوامل بروز این جنگ‌ها نگاه‌ها را متوجه مسائل بنیادین از جمله مسائل زیست‌محیطی منطقه می‌کند. در حقیقت، این سیل عظیم از پناهجویان، که موجب تشنج و ناآرامی در مرزهای کشورهای اروپایی گردیده و بسیاری از دولت‌های قدرتمند منطقه، از جمله آلمان و اتریش، را وادار به تغییر موقتی سیاست‌های مهاجرپذیری خود نموده، تنها نمونه‌ای کوچک از واقعیت جابجایی میلیون‌ها پناهجو در اثر تغییرات

اقلیمی در سال‌های نه‌چندان دور می‌باشد. حال در بیست و یکمین کنفرانس تغییرات اقلیمی در پاریس (۲۰۱۵) در موافقتنامه نهایی کشورهای جهان در کنار تهیه سند حقوقی در مورد الزام دولت به کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی و نیز کاهش اثرات فعالیت‌های انسانی بر اقلیم جهان، در بند پنجاهم سند برای پیش‌گیری از این سیل نوظهور پناهجویان به اقدامات لازم برای از بین بردن، کاهش و مقابله با آوارگی ناشی از تغییرات اقلیم اشاره کردند. ولیکن حمایت حقوقی مشخص ارایه نگردید.^{۱۲۵}



بی‌نوشت‌ها:

1. :Refugee Rights and Realities "Rethinking the Refugee Concept", Patricia Tuitt Nicholson and Frances edited by Evolving International Concepts and Regimes, Cambridge University Press :Cambridge), Patrick Twomey 1999 111 .
2. *The United Nations High Commissioner for Refugees: the politics and practice of refugee protection into the 21st century* (2008), (60). Routledge.
3. "Reconciling national sovereignty with international responsibilities" *United Nations Association of the United Kingdom*, Jun. Edinburgh, Scottish Parliament), *the Annual Conference 2009 Being-Climate Change and Human Well* Introduction to, Weissbecker in
4. António Guterres
5. could become the biggest driver of climate change" ,Melissa Fleming ,Copenhagen ,UNHCR the UN Refugee Agency" ,UNHCR chief :displacement .Denmark 2009 from <http://www.unhcr.org>. (accessed Jan. 7, 2014).
6. Ibid
7. Frank Biermann and Ingrid Boas, "Protecting climate refugees: the case for a global protocol." *Environmental Development Science and Policy for Sustainable Environment* 50, no. 6 (2008): 12.
8. Human Displacement and Climate Change: "No Place Like Home There" ,Ilona Millar *LJInt .Austl* .Change 14 , 76 .2007
۹. برای اطلاعات بیشتر در مورد مبانی حقوقی اعطای حق پناهندگی توسط دولت‌ها رجوع شود به:
Jane, McAdam & Gill-Goodwin (2007) *The refugee in international law* .3rd ;Oxford University Press :Oxford , (ed Goodwin-Gill, Guy S. (2014) 'The International Law of Refugee Protection' In Fiddian-Qasbiyeh, E., Loescher, Gil, Long, Katy, & Sigona, Nando. (2014). *The Oxford handbook of refugee and forced migration studies* (Oxford handbooks). Oxford, United Kingdom: Oxford University Press. and Feller, E., Türk, Volker, Nicholson, Frances, & Office of the United Nations High Commissioner for Refugees. (2003). *Refugee protection: global consultations on international protection UNHCR: in international law* . Cambridge ; New York: Cambridge University Press.
10. Tuitt, "Rethinking the Refugee Concept," 111.
11. *Contribution of the Working Group of Experts to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change* , IPCC working group I to the fourth assessment report of the intergovernmental panel on climate change (2007). Cambridge University Press :Cambridge).
12. The Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)
13. Op.Cit
14. Tesar, *Our Fragile Planet*, Jessica B. Cooper, "Environmental refugees: Meeting the requirements of the refugee definition." *LJ.NYU Env'tl* 6 (1997): 507-508; National geography Website, Education, Reference and News, Encyclopaedia Entry, Climate Refugees
<http://climate/encyclopedia/education/com.nationalgeographic.education/>:http =a_ar?/refugee1 accessed) 27 .Jan (214).
15. The United Nations Framework Convention on Climate Change, 1992,
این سند الزام‌آور نبوده و امروزه ۱۹۵ کشور جهان عضو آن می‌باشند.

16. The Kyoto Protocol, 1997,
17. ,BBC,“dednuofnu sraef noitargiM ssaM etamilC” ,Roger Harrabin 4.Feb2011.
http://www-environment-science/news/uk.oc.bbc.12360846 8accessed)
Feb2014.
- 18.Does a warming world ;Climate Wars ,Security and the Environment ,Economist
,*Economist* ,“?really mean that more conflict is inevitable8 .Jul
21010/node/com.economist.www//:http16539538 .accessed Jan 201428 .
- 19.Towards a :dlroW remraW a rof gniraperP ” ,Frank Biermann and Ingrid Boas
Global ,Global Governance System to Protect Climate Refugee”
*Environmental Politics*67-68 (2010)
20. Ibid, 83.
- 21 . a proposal for :Confronting a rising tide" ,Bonnie Docherty and Tyler Giannini
Rev .L .Envtl .Harv " .refugees a convention on climate change33(2009) 352
- 22 .“;World ermWar a for gniraperP” , Boas and annmBier 66-67
23. See ehT” ,Change Climate on onventionC orkwFrame Nations United
CopenhCope ,2009 bermDece “,Conference Change Climate agennh ,agen
available ,Denmark
cope/eetingsm/int.unfccc//:httpsnh php.6295/meeting/2009_dec_agen
Refug Norwegian ;and (2015 ,9.Sep accessed)ee Internal/Council
:Conference Nansen ehT” ,(IDMC/NRC) Centre Monitoring mentDisplace
Chang Climatee and Displacement in the s21t ,Century”
7. Jun e 2011
edesscca) lmht.4fe521485/dcido/org.dlorwfer.www//:psth :at available ,
(2015,9. Sep
24. errmaW a rfo grinaperP” , asBo dan nrmanieB cited by ,Used by UNHCR
fo wolf eth gnimmSte” ,omtrsFal errtnaZ anDa and ,٦٧-٦٦ “,dlWor
dna rsronep ecttpro to notionvenc a gntiaeCr :temenlacspid talonmenirvve
y/Pol & .L .I Envtl'Int .J .Colo " .tronmeninve eth ervesep 2001
25. dan nrmanieB cited by (OMI) noitagrMi rfo noizatirganO alontirnatIn Used by
“,dlWor errmaW a rfo grinaperP” , asBo66-67 .
26. Frank Biermann and Ingrid Boas
27. “,dlroW remraW a rof gniraperP” ,and Boas Biermann 67
28. The Office of High Commissioner for Refugee
29. The League of Nations
30. The International Refugee Organization
31. The United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)
*he politics and practice of refugee protection t Loescher and Betts and ,Milner
into the21 ,st century*8-13.
32. *the politics and practice of refugee protection* Loescher and Betts and ,Milner
into the21 ,st century 8-13 .
- 33.The Convention Relating to the Status of Refugees
- 34.Introductory note by the Office of the UNHCR to the Convention Relating to the
Status of Refugees, Geneva, Dec 2010, <http://www.unhcr.org/3b66c2aa10.html>
(Accessed Sep.12, 2015)
- 35.The Protocol Relating to the Status of Refugees
- 36.The Guidelines Regarding the Status of Internally Displaced People

۳۷. این سند در ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ لازم‌الاجرا شده است و هم‌اکنون ۱۴۵ کشور جهان عضو این کنوانسیون می‌باشند.

۳۸. این سند در ۴ اکتبر ۱۹۶۷ لازم‌الاجرا شده و هم‌اکنون ۱۴۶ کشور جهان عضو این پروتکل می‌باشند.

39. fo tnempoleveD eht ni RCHNU fo eloR ehT” ,Volker Turk Refugee Law”
Evolving International Concepts :Refugee Rights and Realities International in
:Cambridge) Twomey and Patrick Nicholson Frances .ed and *Regimes*
,Cambridge University Press1999 161-162.
40. See *Refugees and the politics of :naging displacement*Ma ,Jennifer Hyndman
.Vol .*humanitarianism*16 ,University of Minnesota Press :Minneapolis .2000 11 ;
Joan Fitzpatrick,. "Revitalizing the 1951 Refugee Convention." .*Rts .Hum .Harv*
.J9, 1996, 232.
41. “*Issue of Interpretation :ee Definition as LawThe Refug*” ,Daniel J Steinbock⁴¹
*Evolving International Concepts and :Refugee Rights and Realities*in
Cambridge :Cambridge) ,Twomey and Patrick Nicholson Frances .ed *Regimes*
,University Press1999 :13-14
42. ting to the Status of RefugeesConvention Rela ,UN General Assembly28 July
1951.vol ,Treaty Series ,United Nations ,137-189 Article ,(2)1 .
43. *A Legal :UNHCR and Voluntary Repatriation of Refugees* ,Marjoleine Zieck
,Martinus Nijhoff Publishers :The Hague) .*Analysis*1997 .
44. Is there a Subjective Element in the " .Hicks .and William S James C Hathaway
.I L'Int .J .Mich ".Founded Fear-s Requirement of Well'Refugee Convention26
(2004) :505-507
45. Vol ,*The law of refugee status* ,Hathaway .James C104 Butterworths :Toronto).
,1991
46. Op Cit508
47. :Stemming the flow of environmental displacement" ,a Zartner FalstromDan
.Colo ".Creating a convention to protect persons and preserve the environment
*yPol & .L .I Env'tl'Int .J*2004 (2001) :9.
48. ,*Vienna Convention on the Law of Treaties*,United Nations 23 May
1969. vol ,Treaty Series ,United Nations ,1155.p ,331Article ,(1)31 .
49. .and Alain Rey ,Debove-Josette Rey ,Paul ,Robert*Le nouveau petit Robert*.
Dictionnaires Le Robert, 1993.
50. The UNHCR Handbook on Procedure and Criteria for Determining Refugee
Status
51. Displaced Persons in -The Protection of Environmentally" ,Aurelie Lopez
.L .Env'tl".,*International Law*37(2007) 378 .
52. *Issue of :The Refugee Definition as Law*” ,Daniel J Steinbock
“*Interpretation*18*-19 .
53. “,onmental displacementthe flow of envir,Falstrom Stemming" 10 .
54. The Obligations of :Entry and Exclusion of Refugees" ,Gill-Goodwin .Guy S
States and the Protection Function of the Office of the United Nations High
.YBI *Legal Stud .Mich* ".Commissioner for Refugees2 (1982) :291 and 297 .

55. Op Cit. 10-11
56. “,seegufeR latmenorivnE” ,Cooper 283
57. Jessica Cooper
58. Op.Cit.483, 521-523.
59. Dana Zartner Falstrom
60. “,Stemming the flow of environmental displacement” ,Falstrom13.
61. Ibid 11-14.
62. Bonnie Docherty and Tyler Giannini
63. ininnaiG dna ytrehcoD “,nfronting a Rising TideoC” ,358.
64. Ibid 359- 358.
65. Ibid 362
66. Statute of the United Nations High Commissioner for Refugees, 14 Dec, 1950.
67. “,s No Place Like Home”There” ,Millar78 ,Michael ,Alex Cunliffe and Pugh.S ; A Triumph of Politics over :er in Humanitarian AssistancedaeL sa RCHNU” *Evolving International Concepts and :Refugee Rights and Realities* in “?Law Cambridge :Cambridge) ,Twomey and Patrick Nicholson Frances .ed *Regimes* ,University Press(1999 175 and 183 ytinedI eegufeR” ,illG-S Goodwin,Guy ; *Evolving :Refugee Rights and Realities* in “,and Protection’s Fading Prospect and Patrick Nicholson edited by Frances *International Concepts and Regimes* ,Cambridge University Press :Cambridge) ,Twomey(1999) 22-220 ; *Refugee Rights and* Introduction to ,ed ,Twomey and Patrick Nicholson Frances :Cambridge ,*Evolving International Concepts and Regimes :Realities* ,Cambridge University Press1999 .
68. Jerzi Sztucki, “Who Is a Refugee? The Convention Definition :Universal or obsolete?” in *Evolving International Concepts and :ee Rights and RealitiesRefug* edited by Frances *Regimes*Nicholson and Patrick Twomey, 1 :Cambridge) ,Cambridge University Press(1999 :57.
69. ,s No Place Like Home”There” ,Millar78.
70. The Economic and Social Council of United Nations
71. *UN Economic and Social* ,(ECOSOC)UN Economic and Social Council *Council Resolution2011 Report of the United Nations High :LXI) ,Commissioner for Refugees2 August 1976/RES/E ,2011 .(LXI)*
72. The Group of Governmental Experts on International Co-operation to Avert New Flows of Refugees
73. *operation to Avert New Flows of Refugees -International Co* ,UN General Assembly ,*General-Note by the Secretary* :13 May 1986/A ,41/324/41.para ,11in Turk “The , “,nal Refugee LawRole of UNHCR in the Development of Internatio156 .
74. The Office for Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA)
75. The Office for Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA), UNHCR, <http://www.unhcr.org/pages/49c3646c2e1.html> (accessed Jun. 24, 2014).
76. “,s No Place Like Home”There” ,Millar83.
77. :Cambridge) .*The rights of refugees under international law* ,James C Hathaway ,Cambridge University Press(2005) 994-992

78. The United Nations Guiding Principles on Internally Displaced Persons, 1998,
این سند الزام آور نمی باشد.
79. Legal Protections and Funding for a New "egde s'retaW eht tA", Claire DeWitte
Ocean and Coastal Law Journal, "Generation of Climate Change Refugees"
(2010-2011): (223-225) recognizing "tide Turning the", Angela Williams ;
Policy & Law ".climate change refugees in international law 30 no ,4(2008) :
510.
80. Guiding Principles on (ECOSOC) United Nations Economic and Social Council
Internal Displacement 22 July 1998 CN/E ,1998/4/53.Add/2 ,Annex 2.
81. General Assembly UN Ge 2005 adopted by /resolution : World Summit Outcome
the General Assembly 24 October 2005 para ,132 .
82. and "Principles ,IDP Guidelines ,ECOSOC 6(1) .
83. Claire DeWitte
84. "egde s'retaW eht tA", DeWitte 225-226.
85. Williams, "Tide eht gninruT" 512-513. .
86. Sztucki, "Who Is a Refugee?" 62; Cooper, "Environmental Refugees," 496;
Fitzpatrick, "Revitalizing the 1951 Refugee Convention," 234; Turk, "The Role
of UNHCR in the Development of International Refugee Law," 167.
87. eds ,and Dirk Vanheule Jean Yves Carlier *Europe Et Les Réfugiés: Un Défi?*.
Vol. 1. ,Martinus Nijhoff Publishers: The Hague(1997.)
88. "eegufeR a sI ohW", Sztucki
89. The Convention Governing the Specific Aspects of Refugees Problems in Africa
1969,
این سند در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۴ لازم الاجرا شد و ۴۲ کشور آفریقایی عضو آن می باشند.
90. The Convention Governing the Specific Aspects of Refugees Problems in Africa
1969,
این سند در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۴ لازم الاجرا شد و ۴۲ کشور آفریقایی عضو آن می باشند.
91. Vol .ept in Group Situations *The Refugee Conc* ,Jackson .Ivor C3 :The Hague) .
;Martinus Nijhoff Publishers 180 1999.
92. Fitzpatrick, "Revitalizing the 1951 Refugee Convention," 234.
93. The Convention Governing the Specific Aspects of Refugees Problems in
Africa, 1969, Article 1(2).
94. Cooper, "Environmental Refugees," 496 and; Fitzpatrick, "Revitalizing the 1951
Refugee Convention," 234.
95. : "Toward a broader definition of refugee" ,Carlos Ortiz Miranda 20th century
I LJ Int . W . Cal ".development trends 325 (1989) 20
96. ,placement *Managing dis* ,Hyndman 13
97. Cooper, "Environmental Refugees," 498.
98. "Displaced Persons-The Protection of Environmentally" ,Lopez 390.
99. "dlroW remraW a rof gniraperP" ,Biermann and Boas 72-73 .
100. The Cartagena Declaration on Refugees,
این سند غیر الزام آور بوده و به امضای ۳۱ کشور این منطقه رسیده است.
101. "Toward a broader definition of refugee" ,Miranda 324.

102. The Cartagena Declaration 1948 Conclusions and Recommendations ,3.
103. “,s No Place Like Home”There” ,Millar 78; Toward a broader ” ,Miranda “,of refugee definition 324; Nicholson and Twomey, Refugee Rights and Realities, 167; Volker, “The Role of UNHCR in the Development of International Refugee Law”.
104. “,Displaced Persons-The Protection of Environmentally” ,Lopez390.
105. Climate refugees in the” .Plaku .and M ,ssKi .B ,Gromilova .A ,Đurková .P 21 *Regional Academy on the United Nationsst century*” 4,5(2012)
106. The African Union Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa (The Kampala Convention)
107. Norwegian Refugee Council & Internal Displacement Monitoring Center, “The Kampala convention two years on: time to turn theory into practice”, 8 Dec. 2014, 11.
108. Ibid.
109. Walter Kalin and Nina Schrepfer, "Internal displacement and the Kampala Convention; an opportunity for development actors" *Internal Displacement ,Monitoring Center*(2012):10.
110. Ibid. 11
111.)ACHPR)African Commission on Human and Peoples Rights
112. Allehone Mulugeta Abebe, "The Kampala Convention and environmentally induced displacement in Africa." *OM Intersessional Workshop on Climate I .Environmental Degradation and Migration ,Change* (2011): 3.
113. African Union, Kampala Declaration on Refugees, Returnees and Internally Displaced Persons in Africa, 23 October 2009, Para 22.
114. n for the Protection and Assistance of Internally Conventio ,African Union ,Kampala ,Displaced Persons in Africa23 October 2009.(k) \ Article ,
115. Article ,Kampala Convention4(5).
116. Adebe, , "The Kampala Convention and environmentally induced displacement in Africa ," 5.
117. Kalin and Schrepfer, "Internal displacement and the Kampala Convention," 17.
118. Ibid. 18.
119. Ibid.
120. Adebe, "The Kampala Convention and environmentally induced displacement in Africa ," 4.
121. Ibid.5
122. “,s No Place Like Home”There” ,Millar83
123. “?ho Is a RefugeeW” ,Sztucki 67
124. ,“segnellahc ‘seegufer etamilc ecaf stnemnevog naisA” ,Nirmal Ghosh 2012 , -news/net.asianewsnet.www//:Asian News Net at http28622Accessed) ,html. .Feb(2015-13).
125. U.N. Document FCCC/CP/2015/L.9/Rev.1

Books:

- Carlier, Jean Yves, and Dirk Vanheule. eds., *Europe Et Les Réfugiés: Un Défi?*. Vol. 1 ,Martinus Nijhoff Publishers :The Hauge 1997.
- Vol .*The Law of Refugee Status* .James C ,Hathaway104 ,Butterworths :Toronto 1991.
- .James C ,Hathaway .*The Rights of Refugees under International Law* ,Cambridge University Press :Cambridge2005.
- .Jennifer ,Hyndman *Refugees and the Politics of :Managing Displacement* .Vol .*nismHumanitaria*16 ,University of Minnesota Press :Minneapolis . 2000.
- .Ivor C ,Jackson .Vol .*The Refugee Concept in Group Situations* 30 :The Hague ,Martinus Nijhoff Publishers1999.
- .and James Milner ,Alexander Betts ,Gil ,Loescher *The United Nations High the politics and practice of refugee :(UNHCR)issioner for Refugees Comm protection into the 21 ,Routledge .st century* 2008.
- Nicholson, and Patrick Frances Twomey. Ed., *:Refugee Rights and Realities* idge Cambr :Cambridge ,*Evolving International Concepts and Regimes* ,University Press1999.
- .and Alain Rey ,Debove-Josette Rey ,Paul ,Robert, *Le nouveau petit Robert*. Dictionnaires Le Robert, 1993.
- .Inka ,Weissbecker :New York .*Being-Climate Change and Human Well* ,Springer Fachmedien 2011.
- .Marjoleine ,Zieck *A Legal :nd Voluntary Repatriation of RefugeesUNHCR a* ,Martinus Nijhoff Publishers :The Hague .*Analysis* 1997.

Articles:

- and environmentally The Kampala Convention"Allehone Mulugeta ,Abebe *IOM Intersessional Workshop on Climate* ".induced displacement in Africa .*Environmental Degradation and Migration ,Change* 2011.
- Biermann, Frank, and Ingrid Boas. "Preparing for a warmer world: Towards a global governance system to protect climate refugees." *Global Environmental Politics* 10, no. 1 (2010): 60-88.
- the case for a :Protecting climate refugees" .and Ingrid Boas ,kFran ,Biermann ".global protocol *Science and Policy for Sustainable Development :Environment* 506 .No 6 ,2008

- Cooper, Jessica B. "Environmental refugees: Meeting the requirements of the refugee definition." *New York University Environmental Law Journal* (1997): 480.
- Michael, Alex and Pugh, S., Cunliffe, S. "A Triumph of Politics over Law: Assistance :Refugee Rights and Realities in "A Triumph of Politics over Law :Assistance Nicholson and edited by Francese, *Evolving International Concepts and Regimes*, Patrick Twomey 1751-199, Cambridge University Press :Cambridge .1999.
- DeWitte, Claire. "At the Water's Edge: Legal Protections and Funding for a New Generation of Climate Change Refugees", *Ocean and Coastal Law Journal* 16(2010-2011): 211-238.
- Docherty, Bonnie, and Tyler Giannini. "Confronting a rising tide: a proposal for a convention on climate change refugees." *Harvard Environmental Law Review*. 33 (2009): 349.
- Climate refugees in the "Plaku .and M, Kiss .B, Gromilova .A, ., Āurková P21 st *Regional Academy on the United Nations ,century*"2012.
- Emanuel, Kerry. "Increasing destructiveness of tropical cyclones over the past 30 years." *Nature* 436, no. 7051 (2005): 686-688.
- Falstrom, Dana Zartner. "Stemming the flow of environmental displacement: Creating a convention to protect persons and preserve the environment." *International Environmental Law and Policy .Colorado Journal* (2001): 1-215.
- Fitzpatrick, Joan. "Revitalizing the 1951 Refugee Convention," *Harvard Human rights Journal*. 9, 1996.
- Goodwin-Gill, Guy S. "Entry and Exclusion of Refugees: The Obligations of States and the Protection Function of the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees." *Michigan Year Book International Legal Studies*. 3, 1982.
- Goodwin-Gill, Guy. S. "Refugee Identity and Protection's Fading Prospect," in *Evolving International Concepts and :Refugee Rights and Realities* edited by Francese, *Regimes* Nicholson and Patrick Twomey, 220-249. ,Cambridge University Press :Cambridge 1999.
- Hathaway, James C., and William S. Hicks. "Is There A Subjective Element in the Refugee Convention's Requirement of Well-Founded Fear." *Michigan Journal International Law* 26, 2004.

- Kalin, Walter and Nina Schrepfer, "Internal displacement and the Kampala Convention; an opportunity for development actors" *Internal Displacement Monitoring Center* 2012.
- Lopez, Aurelie, "The Protection of Environmentally-Displaced Persons in International Law," *awEnvironmental L* 37 , 2007: 365.
- Millar, Iona. "There's No Place Like Home: Human Displacement and Climate Change." *Australian International Law Journal* 14 (2007): 71.
- Miranda, Carlos Ortiz. "Toward a Broader Definition of Refugee: 20th Century Development Trends," California, Washington, *International Law Journal* 20, 315, 1989-1990.
- Norwegian Refugee Council & Internal Displacement Monitoring Center, "The Kampala convention two years on: time to turn theory into practice", 8 Dec. 2014
- Steinbock, Daniel J. "The Refugee Definition as Law: Issue of Interpretation," in *Evolving International Concepts and :Refugee Rights and Realities* edited by Frances ,*Regimes*Nicholson and Patrick Twomey, 13-36. :Cambridge ,Cambridge University Press,1999.
- Sztucki, Jerzi. "Who Is a Refugee? The Convention Definition :Universal or Obsolete?" in *Evolving International Concepts :Refugee Rights and Realities* edited by Frances ,*and Regimes*Nicholson and Patrick Twomey, 55-80. ,Cambridge University Press :Cambridge1999.
- Tesar, Jenny, "Our Fragile Planet", *Global Warming* 8-9, 1991.
- *Refugee Rights and "Rethinking the Refugee Concept"* .Patricia ,Tuitt edited by ,*Evolving International Concepts and Regimes :Realities* FrancesNicholson and Patrick Twomey, 106-118Cambridge :Cambridge . ,ity PressUnivers1999 .
- Turk, Volker. "The Role of UNHCR in the Development of International Refugee Law 'in *Evolving International Concepts :Refugee Rights and Realities* edited by Frances ,*and Regimes* Nicholson and Patrick Twomey,153-174 . ,University Press Cambridge :Cambridge1999.
- Williams, Angela. "Turning the tide: recognizing climate change refugees in international law." *r • Policy & Law* , no. 4 (2008): 502-529.

Legal Documents

- Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa, African Union, Kampala, 23 October 2009.
- African Union, Kampala Declaration on Refugees, Returnees and Internally Displaced Persons in Africa, 23 October 2009.
- IPCC, Climate change 2007: The physical science basis. Contribution of working group I to the fourth assessment report of the intergovernmental panel on climate change. Cambridge: Cambridge University Press, 2007.
- Norwegian Refugee Council and Internal Displacement Monitoring Centre (NRC/IDMC), "The Nansen Conference: Climate Change and Displacement in the 21st Century," 7 June 2011, available at:
<http://www.refworld.org/docid/521485ef4.html> (accessed Sep.9, 2015)
- Organization of African Unity (OAU), Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa, 10 September 1969, 1001 U.N.T.S. 45.
- Regional Refugee Instruments & Related, Cartagena Declaration on Refugees, Colloquium on the International Protection of Refugees in Central America, Mexico and Panama, 22 November 1984.
- United Nations Framework Convention on Climate Change, "The Copenhagen Climate Change Conference," December 2009, Copenhagen, Denmark, available https://unfccc.int/meetings/copenhagen_dec_2009/meeting/6295.php (accessed Sep.9, 2015)
- United Nations Economic and Social Council (ECOSOC), Guiding Principles on Internal Displacement, 22 July 1998, E/CN.4/1998/53/Add.2.
- United Nations General Assembly, Convention Relating to the Status of Refugees, 28 July 1951, United Nations, Treaty Series, vol. 189, 137.
- United Nations General Assembly, Statute of the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, 14 December 1950, A/RES.428 (V).
- United Nations General Assembly, Universal Declaration of Human Rights, 10 December 1948, 217 A (III).
- United Nations General Assembly, 2005 World Summit Outcome: resolution / adopted by the General Assembly, 24 October 2005.
- United Nations, Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969, United Nations, Treaty Series, vol. 1155, 331.

Websites

- Asian News Network, <http://www.asianewsnet.net/news-28622.html> (Accessed Feb.13, 2015)
- British Broadcasting Corporation, <http://www.bbc.co.uk/> (Accessed Apr.28, 2014)
- Fleming, Melissa. “Climate change could become the biggest driver of displacement: UNHCR chief, UNHCR the UN Refugee Agency” (2009) from <http://www.unhcr.org>. (Accessed Jan. 7, 2014)
- Introductory note by the Office of the UNHCR to the Convention Relating to the Status of Refugees, Geneva, Dec 2010,
<http://www.unhcr.org/3b66c2aa10.html> (Accessed Sep.12, 2015)
- National Geographic, <http://www.nationalgeographic.com/> (Accessed Jan. 27, 2014)
- United Nations High Commissioner for Refugees, <http://www.unhcr.org> (Accessed Apr.20, 2014)

